

تغییر و تحول در سیاست‌های مجازات در روند جهانی شدن

رضا رسولی

این مقاله به استناد اعداد و ارقام به نقد و تحلیل پدیده زندان پرداخته است. اهم مطالبی که در این مقاله بررسی شده عبارتند از: تأثیرات سیاست‌های جهانی‌سازی نئولیبرال بر سیاست‌های مجازات؛ بررسی رابطه میان سیاست‌های «جهانی کردن»، «ایجاد فقر»، «مجازات کردن» و تعیین مفهوم و چارچوب کلی فرآیند «اصلاح مجازات»؛ بررسی اصول اصلاح قوانین مجازات با روش‌های جدید و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن؛ ارزیابی عملکرد دولت از حیث تأثیر آن بر سیاست‌های کنترل اجتماعی و قوانین مجازات سالب آزادی و شمار زندانیان که در سطح جهان رو به تزاید است؛ واکنش‌های اجتماعی گوناگون که امکان انتخاب آن‌ها فراروی یک دولت معین وجود دارد؛ بررسی و نقد شدت استثمار (بهره‌کشی) از دسترنج زندانی و خصوصی‌سازی سازمان زندان‌ها. مفاهیم کلیدی: جهانی شدن، کنترل اجتماعی، اصلاح مجازات، صنعت زندان، زندان‌های خصوصی، دسترنج زندانیان

مقدمه

از دیر زمان، به کارگماردن زندانیان و واداشتن آن‌ها به کارهای پر زحمت و توانفرسا نوعی کیفر و مکمل عقوبت‌هایی به‌شمار می‌آمد که زندانیان در انتظار آن بودند. در امپراتوری روم قدیم زندانیان محکوم به «اعمال شاقه» را به معادن گسیل می‌داشتند و یا به کارهای عام‌المنفعه دیگر وادار می‌کردند. در سرزمین قدیمی آشور «بیگاری شاهانه»^۱ از جمله وظایف خاص زندانیان

1. Corvee royale

محسوب می‌شد. در مصر قدیم، کارهای سخت و بناهای عظیم که اهرام ثلاثه نمونه آن است به دست زندانیان و اسیران زندانی انجام می‌گرفت. در ایران پیش از اسلام، اجبار زندانیان به کارهایی نظیر فیلبانی و شتربانی در لشکریان شاه نوعی بیگاری و کیفری خوارکننده (ترذیلی) به نظر می‌رسید. این نوع کار که با شکنجه و آزار همراه بود بیشتر در مورد اقلیت‌های مذهبی به کار گرفته می‌شد.

نقل است در زمان بهرام پنجم به مسیحیانی که دینشان را انکار نکرده بودند امر شد تا تمام زمستان فیلبانی کنند و هنگام بهار که پادشاه به بیلاق می‌رفت این مسیحیان برای تسطیح راهی که بنا بود پادشاه از آن عبور کند فرستاده شدند و تمام تابستان نیز به انجام دادن کارهای سخت مشغول بودند (بیلر، ۱۹۳۱: ۲۹۰). در اواخر قرون وسطا، به کار گرفتن زندانیان محکوم به اعمال شاقه در کشتی‌های سلطنتی در فرانسه رواج پیدا کرد. در این کشتی‌ها که با نیروی کار انسانی حرکت می‌کردند، در حالی که محکومان را با رشته‌هایی از زنجیر به یکدیگر می‌بستند، آن‌ها را به پارو زدن و می‌داشتند. رفته‌رفته، نیروی بخار در کشتی‌ها به یاری محکومان شتافت و آن‌ها از کار مداوم و جانکاه پارو زنی رهایی یافتند. از آن پس، کار در محل‌هایی که «بانی»^۱ نامیده می‌شد و عموماً در کنار بندرها قرار داشت، جایگزین کار در کشتی‌ها شد. اما چون تشکیل گروه‌های تبهکار و فرار محکومان ترس و وحشت فزاینده‌ای در مناطق مجاور بندرها به وجود می‌آورد، ناچار نیروی کار آن‌ها در خدمت مستعمرات این کشور قرار گرفت و گروه‌ها آن‌ها را به سرزمین‌های ماورای دریاها گسیل داشتند. قانون مه ۱۸۵۴ فرانسه مقرر می‌داشت که حبس دائم محکومان به اعمال شاقه باید در مستعمرات اجرا شود. در این سرزمین‌ها محکومان به اعمال شاقه غالباً به کار کشاورزی می‌پرداختند. کار بر روی زمین اثرات نسبتاً ثمربخشی در اصلاح اخلاقی محکومان به بار آورد، ضمن آن‌که موجب شد ثروت‌های طبیعی به وسیله نیروی کار محکومان قابل بهره‌برداری گردد. شعار «زندانی زمین را اصلاح خواهد کرد و زمین زندانی را» رفته رفته این اعتقاد را تقویت کرد که کار و کوشش تبهکاران منحنه زمین را اعاده اخلاقی آن‌ها را فراهم خواهد کرد و بیکاری و تن‌پروری زندانیان از جمله موجبات فرار، سرکشی و انحطاط اخلاقی آن‌هاست. با این حال، این‌گونه کارها هیچ‌گونه تناسبی با میزان توانایی و استعداد محکومان نداشت و غالباً در نتیجه مشقت کار و شرایط نامناسب اقلیمی محکومان به کار سلامت جسمانی و روانی خود را خیلی زود از دست می‌دادند و همواره مرگ زودرس در انتظار آن‌ها بود.

1. Bagne

در انگلستان، کار زندانیان تا این اواخر به گونه‌ای مجازات تلقی می‌شد. محکومان در حالی که پا در زنجیری داشتند که گلوله آهنین به آن بسته بود، مجبور بودند طول و عرض محوطه‌ای را بپیمایند. از دیگر کارهایی که محکومان را به انجام دادن آن‌ها وادار می‌کردند، چرخاندن دسته محوری^۱ بود که حرکت دورانی پدید می‌آورد این حرکت به یک دستگاه شمارنده که میزان کار محکومان را می‌سنجید انتقال می‌یافت. محکومان ناچار بودند برای دست یافتن به یک وعده غذا هر بار به میزان ثابتی بازوی چرخ را به چرخش درآورند. گاهی با اتصال محور چرخ به یک دستگاه مکنده یا کشنده کوشش می‌کردند که کار بیهوده محکومان را به یک کار مولد تبدیل کنند.

در این باره که کار زندانیان را باید یک حق یا یک تکلیف به‌شمار آورد تاکنون بحث و گفت‌وگوی فراوانی در مجامع علمی بین‌المللی صورت گرفته است. توصیه‌هایی که در این زمینه شده است غالباً بر الزامی بودن کار زندانیان تأکید داشته است. پاره‌ای از کشورها حق انجام دادن کار را برای زندانیان خود محفوظ داشته‌اند. پاره‌ای دیگر از کشورها نظیر فرانسه، سوئیس و هلند انجام دادن کار را برای زندانیان به منزله یک نوع «تکلیف» در قوانین خود شناخته‌اند. در برخی از کشورها کار در زندان هر دو جنبه حق و تکلیف را واجد است. بدین معنی که صرف‌نظر از گروه‌های خاصی از زندانیان که انجام دادن کار دوباره آن‌ها اجباری است، در صورت درخواست زندانی و تمایل او به انجام دادن کار سازمان زندان‌ها در این کشورها موظف است با عرضه کار متناسب و در حدود استعداد زندانی با درخواست او موافقت کند.

البته در کشورهایی که اجبار به کار به‌عنوان یک اصل در قوانین پذیرفته شده است استثنائاتی نیز دیده می‌شود که از شمول مقررات کاسته است. برای مثال، در قوانین فرانسه گروه‌های زیر از انجام دادن کار زندان مستثنی هستند:

۱. متهمانی که در انتظار دادرسی به‌سر می‌برند. مع‌هذا حق کار برای آن‌ها به رسمیت شناخته شده است؛

۲. سالخورده‌گان، از کار افتادگان و کسانی که به تجویز پزشک از انجام دادن کار معاف‌اند؛

۳. محکومان جرایم پلیس، یعنی کسانی که به جرایم خلافی محکوم شده‌اند؛

۴. بدهکاران؛

۵. بازداشت‌شدگان جرایم سیاسی که آن‌ها نیز می‌توانند در صورت درخواست به کار در

زندان گمارده شوند (اشملک و پیکا، ۱۹۶۷: ۲۸۸).

1. Crank

«از نظر فلسفه مجازات و سیاست زندانبانی دلایل چندی ایجاب می‌کند که کار در زندان لاقفل برای محکومان جرایم عادی و به‌ویژه محکومان به زندان‌های درازمدت به صورت تکلیف و اجبار باشد. مهم‌ترین این دلایل یکی جنبه تربیتی اشتغال به کار زندانیان است که ضمناً نظم و انضباط لازم را در محیط زندان فراهم می‌کند و در نتیجه اداره زندان را آسان‌تر می‌نماید. دوم، جنبه اقتصادی کار تولیدی است که هم دولت و هم زندانی هر دوازده ثمرات آن منتفع می‌شوند. از نظر تربیتی باید کار زندانی را رکن اساسی نوپرووری و بازآموزی بزهکار تلقی کرد. ایام زندان فرصتی است که زندانی می‌تواند به کسب مهارت‌های فنی بپردازد و پس از آزادی با حرفه‌ای که در زندان آموخته است به کار در محیط آزاد اشتغال ورزد و اگر پیش از آن به حرفه و پیشه خاصی اشتغال داشته است با بهره‌گیری از امکانات آموزشی توان فنی خود را افزایش دهد. لذا تنها کافی نیست که ابزار کار و مواد اولیه تولید در اختیار زندانی قرار داده شود» (اردبیلی، ۱۳۶۵: ۲۲۰).

تردید نیست که اگر زندانی اشتغال به کار را با میل و رغبت نپذیرد و با طیب خاطر به انجام دادن آن مبادرت نکند و یا علی‌رغم میل باطنی به انجام دادن آن تن در دهد، ممکن است تمام برنامه‌های اصلاحی و کوشش‌های در این راه را به شکست منجر سازد. اصولاً اجرای هرگونه برنامه اصلاحی در زندان جز با همکاری زندانی میسر نیست و میزان موفقیت در اجرای این‌گونه برنامه‌ها بستگی تام به میزان استقبال زندانیان دارد. در این صورت چنین به نظر می‌رسد که وادار نمودن زندانیان به کار با اهداف تربیتی و برنامه آماده‌سازی بازگشت آنان به محیط اجتماعی مغایر است. ممکن است این تصور نیز پیش بیاید که تکلیف زندانیان به انجام دادن کار وظیفه‌ای است مضاعف علاوه بر سلب آزادی که بیش از آن جامعه مجاز به تحمیل آن نیست. در پاسخ باید افزود که این تصور از کار زندانی به هیچ‌وجه درست نیست. اجبار زندانیان به کار به خاطر رنج و سختی ناشی از آن نیست بلکه و به‌خصوص به دلیل ویژگی تربیتی کار سازمان یافته است که هرگونه دشواری در انجام دادن آن را منتفی ساخته است. قوانین و مقررات حتی اداره زندان‌ها را مکلف کرده است کلیه زندانیان کارگر را در مقابل بیماری و حوادث ناشی از کار بر طبق مقررات بیمه اجتماعی کارگران بیمه نماید (تبصره الف ماده ۱۱۱ آئین‌نامه). و کلیه مقررات ایمنی، حفاظتی و بهداشتی را طبق ضوابط قانونی رعایت کند (تبصره ب ماده ۱۱۱ آئین‌نامه). چنین بینشی از کار با آن‌چه در گذشته از گماردن زندانیان به کار تصور می‌شد کاملاً تفاوت دارد. پاره‌ای از متخصصان علوم کیفری حتی تا آن‌جا پیشرفته‌اند که معتقدند شرایط و مزایای کار در زندان‌ها باید همسو با قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی کارگران تنظیم شود و زندانی کارگر همانند کارگر آزاد از این مزایا نظیر از کارافتادگی و حق استفاده از کمک معیشت خانواده به نحو مقرر در قانون کار بهره‌مند شوند. دلیل آن‌ها این است که اجرای قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی در مورد

شهروندان از اصول حمایت اجتماعی سرچشمه می‌گیرد که جامعه ملزم به رعایت آن است و با محکومیت به کیفرهای سالب آزادی حق مزبور منتفی نمی‌شود.

با توجه به این مطالب و تصمیمات و سیاست‌هایی که کشورهای مختلف جهان در این زمینه اتخاذ کرده‌اند و در قوانین آن‌ها منعکس است چنین برمی‌آید که وادار نمودن زندانیان به کار به هیچ‌وجه به منظور مجازات آن‌ها نیست و این تصور از کار در روزگار ما منسوخ شده است. برای مثال، کشور فرانسه تا پیش از تصویب قانون ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۲ کار زندانی را عنصری از مجازات تلقی می‌کرد. تبصره ۲ ماده ۱۰۳ مجموعه قوانین آئین دادرسی کیفری این کشور در این باره مقرر می‌داشت: «هیچ‌گونه عقد اجاره حتی بین اداره زندان‌ها و محکوم که به انجام دادن کاری الزام‌یافته که خصیصه اصلی آن این است که رکنی از مجازات به‌شمار می‌رود وجود ندارد...» با اصلاحاتی که در این تاریخ به عمل آمد، عبارت «رکنی از مجازات» از قانون حذف گردید و عبارت «رکنی از بازپذیری» جایگزین آن شد. منظور قانون‌گذار این است که اگر بازپذیری اجتماعی بزهکار ایجاب می‌کند که تدابیر چندی در قبال او اتخاذ شود، کار او در زندان یکی از این تدابیر تلقی می‌شود؛ همان‌گونه که آموزش علمی و سوادآموزی نیز رکن دیگری از سیاست اصلاح مجرمان به‌شمار می‌آید.

بنابراین آنچه باقی می‌ماند برانگیختن ذوق فراگیری و ایجاد کشش در زندانیان و جلب رضایت آن‌ها به منظور شرکت در این‌گونه برنامه‌هاست. این کار با اجرای سیاست‌های تشویق و تنبیه در زندان‌ها تا حدودی موفقیت در بر خواهد داشت. ازجمله این سیاست‌ها که می‌تواند انگیزه کوشش بیشتری در زندانیان فراهم کند، دادن امتیازات بیشتر به زندانیانی است که نسبت به کار و آموزش‌های علمی از خود علاقه‌مندی نشان می‌دهند و محروم کردن آن دسته از زندانیان فراری از کار از این امتیازات است. این حق در هر حال باید برای جامعه محفوظ بماند که اگر وظیفه دارد تمام کوشش خود را به منظور «اصلاح مجرمان» و سازگاری بزهکار با زندگی عادی به‌کارگیرد در صورت نافرمانی و خودداری از پذیرفتن برنامه‌های اصلاحی حمایت خود را از او دریغ کند.

شرط دانستن رضایت زندانی به انجام دادن کار معایی نیز در بردارد. در این موضوع نباید تردید داشت که در میان بزهکاران عادی کسانی که به بی‌بندوباری خو گرفته‌اند و اصولاً هیچ‌گونه ثباتی در زندگی آن‌ها یافت نمی‌شود فراوان‌اند. این گروه افراد عموماً نه تنها خود رغبتی به انجام دادن کار ندارند بلکه زمینه تن‌پروری را نیز در دیگران فراهم می‌کنند. بیکاری و تن‌آسایی موجب

مفاسدی است که هرج و مرج و بی‌نظمی در زندان از مظاهر آن است. از سوی دیگر، زندانی را به حال خود رها کردن و به دست افکار خویش سپردن مهر تأییدی است بر تمایلات و خواسته‌های آن‌ها که همه دست‌اندرکاران اعم از کارشناسان تربیتی، آموزگاران و مربیان مدعی تغییر آن هستند و به‌درستی اگر کار، آموزش علمی و معنوی نمی‌توانست بزهکاران را به صلاح آورد و آن‌ها را نیکوگرداند زندانی کردن آن‌ها به‌عنوان مجازات بی‌فایده بود.

الف. تأثیرات جهانی‌سازی بر سیاست‌های جزایی

هم‌اکنون یکی از عناصر مهم در برنامه‌های هر حکومت اصلاح مجازات است. در بسیاری از کشورها قوانین مجازات تغییر یافته، زندان‌ها مجدداً بازسازی شده و شیوه اجرای قوانین مجازات مورد بازنگری واقع شده است. فعالیت‌های اصلاح‌گرایانه در دهه ۱۹۸۰ در برخی از کشورهای مرکزی مطرح شد، و در دهه ۱۹۹۰ در سطح دنیا رو به‌گسترش نهاد، و به‌ویژه در چند سال اخیر اهمیت زیادی یافته است. فرایند تازه اصلاح مجازات به‌ویژه در «کشورهای شمال» به‌عنوان یک جزء از فرایند ضرورت نوسازی در نظام موجود رُخ نموده و محور اصلی گسترش دموکراسی شده است؛ اگر از نزدیک به ماهیت اصلاحات نگاه شود متوجه می‌شویم که دولت‌ها با این برنامه‌های نوسازی شکل جدید استبداد را سازماندهی و هدف‌گذاری می‌نمایند.

جهت‌گیری اصلاح مجازات با شعار گسترش دموکراسی که از سال‌های ۱۹۸۰ «در کشورهای شمال» تعقیب می‌شود منطبق است. توسعه دموکراسی در کشورهای عقب‌نگاه‌داشته و فقیر که بیشتر به‌صورت مداخلات خارجی جلوه‌گر است، وابستگی این ممالک را به بیگانگان افزایش داده و با تحمیل سیاست‌های نئولیبرال بی‌عدالتی در توزیع درآمد نیز عمیق‌تر گشته است؛ تقریباً پس از بیست سال هم‌اکنون روشن شده که این کشورها در گرایش به دموکراسی وارداتی شرایط و ظرفیت کافی را ندارند. کندی تدابیر اصلاح مجازات نیز به برنامه‌های نئولیبرال در طول بیست سال اخیر ضربه زده و اثرات و نتایج مخرب به بار آورده است. اصلاح مجازات در این مفهوم در سیاست‌های جهانی شدن و نئولیبرال یک عنصر مهم در فرایند تجدید ساختار دولت به‌شمار می‌آید. مجازات در دولت مقتدر یکی از شیوه‌های نفوذ و ابزاری جهت فراهم ساختن نظم و کنترل جامعه است. مبانی این اقتدار بسته به عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در دوره‌های مختلف همواره تجدید بنا و اصلاح شده است.

برخی معتقدند که در قرن هجدهم مجازات در راستای اهدافی از قبیل «انسانی کردن مجازات» «تکلیف مجازات» و «دادن جزای انسانی» بوده است. اما این اصل انسانی که به‌عنوان هدف اصلاحات ارائه شده، در حقیقت، وسیله‌ای برای برقراری مجدد اقتدار مجازات بوده است.

فرایندهای اصلاح مجازات، تکنیک‌های جدید و ظرفی وارد صحنه نموده و حرفه مجازات را به عوامل جدید مرتبط دانسته و با ظرافت، اثربخشی آن را افزایش داده و جهان‌شمول نموده است. به‌علاوه، هزینه اقتصادی و سیاسی آن را نیز کاهش داده و به‌طور خلاصه اقتصادی جدید و تکنولوژی نو با عنوان اقتدار مجازات ایجاد کرد (فوکو، ۱۹۹۲: ۱۱).

امروز نیز اصلاح مجازات که در سطح دنیا اعمال می‌شود عملکرد مشابهی را در پیش گرفته است. با این تفاوت که تصور جدیدی که از اصلاح به ذهن می‌آید نه ناشی از یک احساس انسانی جدید بلکه محصول یک سیاست نو می‌باشد. امروزه سیاست‌های جهانی شدن در اساس فرایند اصلاح مجازات نهفته است. ایجاد سیستم مجازات متناسب با تغییر و تحولات اقتصادی و سیاسی و روابط اجتماعی - که جهانی شدن در سطح جهان ایجاد نموده است - هدف اصلی اصلاحات است. سیاست‌های جهانی شدن که در نظام سرمایه‌داری عصر جدید تغییرات بسیاری را پیش‌بینی کرده و در این راستا مسیری را نیز طی نموده است، ساختار دولت‌ها را به تبعیت از اصلاحات مجبور ساخته، و باید گفت که «اصلاح مجازات» یکی از عناصر مهم این فرایند تجدید ساختار است.

سیاست‌های جهانی شدن در اقتصاد بین‌الملل با روی آوردن دوباره به قواعد لیبرال سنتی و جهانی شدن اقتصاد بازار و تصفیه الگوی دولت مردمی را به همراه آورده است. آثار اجتماعی منفی این برنامه نیز عمیق‌تر شدن فقر و بازشدن شکاف ثروت در کشور است. رواج فقر، اهمیت کنترل فقرا را نیز افزایش داده و اصلاح مجازات به‌عنوان یک پیش‌فرض در عرصه مسائل حقوقی، سیاست‌های جدید کنترل اجتماعی را ایجاب می‌کند.

وابستگی سیاست‌های مجازات به سیاست‌های بهره‌کشی تنها مختص عصر ما نیست. شواهد تاریخی گواه است که بین سیاست‌های بهره‌کشی و مجازات در هر زمان رابطه علت و معلولی مستقیم وجود داشته و در این وابستگی پدیده تاریخی پیدایش زندان‌ها و ارتباط آن با کنترل فقرا قابل توجه است. اولین زندان در اروپا در قرن شانزدهم با هدف پیشگیری از خطرات عصیان فقرا در شرایط بحران اقتصادی ایجاد گردید. تکدی‌گری به عنوان یک جرم^۱ و حضور

۱. برای مثال بخش‌نامه امنیتی استانداری استانبول (روزنامه رسمی) ۱۹ اگوست ۲۰۰۰ ش ۲۴۱۵۵، ۵۵-۵۶) در زمینه فراهم ساختن رفاه عمومی، در خصوص جمع‌آوری کودکانی که در کوچه و بازار زندگی می‌کنند و بعضاً به کار گماشته می‌شوند، اشعار داشته که حضور این بچه‌ها می‌تواند بالقوه جرم به حساب آید و امنیت جامعه را تهدید کند. به مفاد این بخش‌نامه توجه کنید: «این بچه‌ها به‌عنوان یک خطر بزرگ اجتماعی در حال و آینده‌ای نزدیک تهدیدی بزرگ هستند، از این خطر سنگین اجتماعی

افراد بی‌خانمان و بیکار و گدا، که بالقوه زمینه ارتکاب جرم دارند، در زندان در این دوره نشان می‌دهد که حکومت‌های وقت نسبت به اتخاذ سیاست مناسب در قبال ارتکاب جرم و مجازات و عوامل ایجاد فقر مردم اقدام روشنی نکرده‌اند. اصلاح قوانین مجازات در عصر حاضر نیز بی‌شبهت به آن دوره نیست.

اعمال سیاست‌های جهانی شدن، که روزه‌به‌روز به‌شمار فقیران افزوده است، ایجاب می‌کند که نظام مجازات سخت‌تر شود، به نحوی که مدیران سیاست‌های جهانی شدن با تلقی جرم از تکدی‌گری در صدد تنظیم مقررات جزایی دقیق‌تری هستند^۱.

زندان‌ها نیز مانند دیگر نهادهایی که در درون نظام سرمایه‌داری رشد می‌کنند، با جهانی شدن سرمایه‌داری تحت رهبری یک نیروی قدرتمند رشد همه‌جانبه‌ای یافته‌اند. کشورهای که برای اصلاح مجازات اقداماتی انجام داده‌اند، به سرعت زندان‌ها را نیز گسترش داده‌اند.

با گسترش جهانی شدن سرمایه‌داری، دولت‌ها از شکل دولت مردمی فاصله گرفته‌اند. همزمان با این فاصله، بیکاری و گرسنگی نیز در سطح جهان شیوع یافته و بدیهی است این ازدیاد محرومیت تهدیدی بالقوه برای دولت‌های حاکم به‌شمار می‌آید. اصلاح مجازات با طرح قوانین سخت‌گیرانه با هدف پیشگیری، سرکوب و کنترل شدید واکنش‌های فقرا شکل گرفته و به‌طور خلاصه دولت‌های به‌ظاهر مردمی سیاست کنترل شدید اجتماعی را در این مدت تجربه کرده‌اند.

در این فرایند اقتدار اعمال مجازات از طریق سازگار کردن با شرایط جدید و اطمینان از مطیع و منطقی بودن شهروندان رو به پیشرفت بوده است. «کنترل فقرا» در چارچوب تدابیر سیاسی هوشمندانه و اعمال مجازات‌های جدید، خواه‌ناخواه، به عوامل اقتصادی نیز بستگی دارد. از جمله عوارض اقتصادی این مسئله، بهره‌کشی از زندانیان است. امروزه همانند اقدامات متداول

→ احتمال آسیب رسیدن به هر کسی هست، بنابراین در کنار آسایش و امنیت فعلی باید به احتمال خطرآفرینی ایشان در آینده نیز توجه جدی داشت».

۱. هم‌اکنون تکدی در بعضی از کشورها جرم محسوب شده و نسبت به آن مقرراتی وضع شده است. مثلاً ماده ۵۴۴ قانون مجازات کشور ترکیه اشاره دارد: «کسانی که قدرت کار دارند اگر گدایی کنند از یک هفته تا یک ماه به مجازات زندان محکوم می‌شوند». در ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ نیز تکدی‌گری در ایران جرم شناخته شده است.

با این‌همه احکام مربوط به تکدی عصر ما قابل مقایسه با مجازات شدید در قرن ۱۶ نیست. مثلاً در کشور انگلستان در قرن ۱۶ برای کسانی که گدایی می‌کردند، مجازات کتک، شلاق و حبس اعمال می‌شد، و در صورت تکرار گدایی علاوه بر شلاق، به بریدن گوش و برای بار سوم به مجازات اعدام محکوم می‌شدند (مارکس، ۱۹۷۸، ۷۲۵).

قرن نوزدهم، اعمال قوانین مجازات در مسیر استثمار دسترنج زندانیان طراحی می‌شود. مسئله دیگر که جنبه اقتصادی دارد، گرایش بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در بخش زندان و تجارت سودآور در این زمینه است. این دو عامل اقتصادی در تدوین سیاست‌های جدید مجازات تأثیر مستقیم داشته است. سودآور شدن صنعت زندان به‌ویژه در بخش خصوصی راه خصوصی‌سازی و محدود کردن اقتدار عمومی دولت را به دنبال داشته است. در این فرآیند خصوصی‌سازی، امنیت، مجازات، زندان و خدمات به زندانیان و در یک کلام اجرای «عدالت» آخرین دغدغه است.

ب. اصول اصلاحات در قوانین جدید مجازات

اکنون دیگر این سؤال مطرح نیست که آیا با جهانی شدن حقوق موافقیم یا نه. این یک واقعیت است: حقوق جهانی می‌شود. حقوق در بعضی حوزه‌ها و یکباره جهانی می‌شود. غالباً بحران‌ها آغازگر فرایند جهانی شدن حقوق می‌باشند. ضربه ناشی از جنگ جهانی دوم که تصویب اعلامیه «جهانی» حقوق بشر ۱۹۴۸ را به دنبال داشت، می‌تواند نقطه آغاز فرایند جهانی شدن حقوق قلمداد گردد. اگر تعریف جنایات جهانی شده است، مجازات آن‌ها نیز باید جهانی شود. سؤال واقعی این‌جاست که اگر حقوق دارد به گونه نامرئی و غیر مستمر و ناپیوسته جهانی می‌شود، توسعه این فرایند چگونه خواهد بود. (دل‌ماس مارتی، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

بعد از سال‌های دهه ۱۹۸۰ که در آن همه‌چیز برجسب زیست محیطی داشت، اکنون ظهور برجسب اجتماعی (توجه به مسائل از دیدگاه اجتماعی) مبین خلاقیت ابتکارات خصوصی است که اهداف اجتماعی را دنبال می‌کند. همان‌طور که دفتر بین‌المللی کار در یک پژوهش جدید اظهار می‌دارد: «در اقتصادی که اکنون جهانی شده است، ظهور نقش و تأثیر اجتماعی مؤسسه مترادف با تغییر مسیر واضح قدرت از سوی دولت رفاه به سوی مؤسسات خصوصی و چند ملیتی شده و پدیدار کننده انحطاط تأثیر دولت و سازمان‌های محلی کارگری بر روی بازاری است که مستمراً در حال تحول می‌باشد (دفتر بین‌المللی کار، ۲۰۰۵)».

با این‌که در ممالک مختلف روش‌های گوناگونی در زندان‌ها، بازداشت‌گاه‌ها، مؤسسات صنعتی و کشاورزی خاص زندانیان و کانون‌های اصلاح و تربیت به مورد اجرا گذاشته شده است، لکن هنوز در کیفرشناسی و علم اداره زندان‌ها روش خاصی که به‌طور حتم منجر به اصلاح و تربیت یا درمان مجرم و یا افراد در حالت خطرناک شود تعیین نگردیده است (دانش، ۱۳۵۵: ۲۷).

ویژگی عمده قوانین جدید مجازات وضع مقررات سخت‌تر و محدودکننده‌تر است. در اواخر دهه ۱۹۷۰ سیاست جدید مجازات در آمریکا با شعار «برخورد سخت و جدی با جرم»^۱ وارد مرحله جدیدی شد. در کشور مذکور در طول سه دهه اخیر نظام مجازات رو به شدت نهاده و از مقررات ملایم گذشته انتقاد شده است. هم‌اکنون در میان سیاستمداران محافظه‌کار و لیبرال اصطلاحات «پیشگیری از جرم» و «مقابله با جرم» اهمیت یافته و به‌طور کلی قوانین مجازات در طول این سال‌ها به‌صورت جدی دستخوش تغییرات قابل توجهی شده است. با تحقق این اصلاحات مدت مجازات زندان برای بعضی از جرم‌ها بیشتر شده، برای اصلاح و بهبود وضع زندانیان امکاناتی فراهم آمده و آزادی مشروط پیش‌بینی شده ولی برای برخی از جرایم حداقل مجازات زندان قطعی گردیده است.

نظام اصلاح قوانین مجازات در آمریکا ظاهراً به صورت ریشه‌ای از نظام مجازات نامعین^۲ که تا سال‌های ۱۹۷۰ قابل اجرا بوده به سیستم مجازات معین^۳ تغییر یافته است. در سیستم مجازات نامعین، تعیین مجازات به اختیار مقام قضایی^۴ بوده و تصمیم‌های مربوط به مدت و نوع کیفر را قاضی تعیین می‌نموده و دادگاه‌ها با توجه به اختیار قضایی مجازاتی را از بین حداقل و حداکثر مجازات پیش‌بینی شده به اجرا در می‌آورند. این سیستم در آمریکا تا سال‌های ۱۹۷۰ اجرا می‌شد. تصمیماتی در خصوص آزادی محکومان از طریق قواعد آزادی مشروط اتخاذ می‌شد و آزادی قطعی محکومان را این قواعد تعیین می‌نمود (سازمان اصلاح زندان‌ها: d: ۱۹۹۷؛ e: ۱۹۹۷). اما فشارهای سیاسی در جهت محکومیت‌های طولانی و سیستم مجازات استاندارد افزایش یافته و با مطرح گشتن این‌که در تعیین فرایند مجازات استانداردهای لازم پیش‌بینی نشده است و خصوصیات شخصی و باور و ارزش داورهای قضات در مرحله اجرای مجازات موجب تصمیم‌های مغایر و متفاوت می‌گردد، خواستار حذف سیستم قبلی شدند. با توجه به این‌که سیاست‌های مجازات بسته به جو حاکم در جرم و تقصیر تغییر می‌یافت؛ با جایگزینی سیستم مجازات معین که مدت زمان ثابت را برای جرم تعیین می‌نمود، هم اختیار قضایی قضات را در تعیین مدت زمان کیفر و هم آزادی محکومان را که اجرای قواعد آزادی مشروط در پی داشت از میان برداشت. هدف اصلاحات محدودکردن اختیار قضایی و عملی ساختن قطعیت مدت زمان کیفر است؛ به منظور انطباق با این هدف ایالت‌ها اقدام به وضع مقررات نموده و ملزم به مراعات استانداردهایی برای قواعد آزادی مشروط شدند. از طرفی ضمن این‌که دستورالعمل‌های مجازات محدود وضع گردید، از طرف

1. get tough on crime

2. indeterminate punishment

3. determinate punishment

4. Judicial discretion

دیگر قوانین حداقل مجازات اجباری نیز برقرار شد. ضمناً با تشکیل کمیسیون‌های مجازات در سطح فدرال و ایالتی دستورالعمل‌هایی که استانداردهای مجازات را شامل می‌شد صادر می‌گردید.

دستورالعمل‌ها نیز اختیار قضایی قضات را که در مرحله تعیین مجازات در اختیارشان بود از میان برداشت، در نتیجه تا سال ۱۹۹۶ تقریباً ۲۵ ایالت و سیستم فدرال کمیسیون‌های مجازات را تشکیل داده و تقریباً بیست ایالت نیز دستورالعمل‌های مجازات را که این کمیسیون‌ها تعیین می‌نمودند به اجرا گذاشتند (سازمان اصلاح زندان‌ها، d: ۱۹۹۷: ۲). بدین ترتیب سیستمی که دست قضات را باز می‌گذاشت و با توجه به شرایط ویژه اوضاع و احوال خاص جرم مناسب‌ترین مجازات را برای جرم تعیین می‌نمود از میان رفت.

کمیسیون‌های مجازات برای این‌که قضات دستورالعمل صادره را عیناً به اجرا درآورند با تنظیم نمودارهایی که چارچوب مجازات را تعیین می‌کند و پیروی از آن را برای قضات ضروری می‌نماید امروزه قضات را تا حد یک ماشین حساب تنزل داده‌اند. (سازمان اصلاح زندان‌ها، d: ۱۹۹۷: ۲؛ e: ۱۹۹۷: ۲-۳). دیگر این‌که در تعیین مدت زمان مجازات، گویی فرمول ریاضی به کار گرفته شده و در تصمیم نهایی اعمال مجازات شرایط ویژه جرم و مجرم مورد توجه قرار نگرفته؛ این وضعیت ضمن این‌که اختیار قضایی قضات را از میان برده در فرایند دادرسی نفوذ دادستان‌ها را افزایش داده است.

در ایالت‌هایی از قبیل کارولینای شمالی نیز تنظیم دستورالعمل‌هایی که به تحمل مجازات از مجازاتی که از طرف دادگاه‌ها برای محکومان داده می‌شود پذیرفته شده است. در کارولینای شمالی در سال ۱۹۹۴ با اجرای قوانین جدید مجازات، آزادی مشروط حذف شده و این خود مانع آزادی محکومان شده است. به علاوه برای محکومانی که «اصلاح رفتار» نداشته و در برنامه‌های فعالیت آموزشی مشارکت نداشته‌اند تحمل حبس در حدود ۲۰٪ علاوه بر مجازات مقرر نیز پیش‌بینی شده است (سازمان اصلاح زندان‌ها، d: ۱۹۹۷: ۴).

هدف از این اقدامات در کنار افزایش مدت مجازات تبعیت و اطاعت کامل محکومان از رژیم حاکم در زندان است. تعداد محکومان در کالیفرنیا در سال ۱۹۹۷ نسبت به سال ۱۹۸۰ شش برابر افزایش یافته است. این ایالت بین سال‌های ۱۹۸۴-۱۹۹۱ با وضع بیش از هزار قانون مدت مجازات را افزایش داده است. تنها در سال ۱۹۹۴ بیش از صد قانون وضع شده است. در نتیجه اجرای این قوانین با افزایش تعداد محکومان در همین ایالت ۱۷ زندان جدید ساخته شده است (سازمان اصلاح زندان‌ها، e: ۱۹۹۷: ۲). در فرایند اصلاح مجازات به پیروی از آمریکا، استرالیا نیز در وضع مجازات اصل قطعیت مدت محکومیت را از سال ۱۹۸۹ به بعد پذیرفته

است: نیوساوت ویلز^۱ اولین ایالت استرالیا است که اصل «قطعیت» در مجازات را به رسمیت شناخته و قانون تعیین مجازات^۲ که در سال ۱۹۸۹ در N.S.W به اجرا گذاشته شد، به این نکته که در مجازات به اجرای اصل قطعیت پایبند است، تأکید دارد. در دادگاه‌های ویلز مقرر شده است که نباید به کمتر از شش ماه مجازات زندان حکم دهند و مضافاً باید بر مجازات جرایمی که امکان آزادی مشروط زودتر از موعد مقرر را دارند بیفزایند. این مجازات اضافی بیشتر از یک-سوم حداقل مجازات (شش ماه) نخواهد بود. علاوه بر این در مورد کلیه مجرمان جوان تخفیف مجازات از میان برداشته شده است؛ در نتیجه این اصلاحات در ویلز تعداد محکومان به سرعت افزایش یافت. تعداد محکومان که در سال ۱۹۸۸-۱۹۸۹، ۴۳۶۹ نفر بود در سال ۱۹۹۳ به ۶۰۰۴ نفر افزایش یافت. ایالت ویکتوریا در استرالیا نیز در سال ۱۹۹۱ اصل قطعیت در مجازات را به رسمیت شناخته و دستورالعمل‌های مجازات قطعی را به اجرا گذاشته است (PRT, 1996 d: 5).

حکومت انگلستان نیز در سال ۱۹۹۶ با استراتژی جدید مجازات به نام «کاغذ سفید»^۳ و با آماده کردن افکار عمومی اصل «صداقت در تعیین مجازات»^۴ را پذیرفته و بدین ترتیب یک نوع دیگر اصل «قطعیت را در تعیین مجازات» به اجرا گذاشت. در حقیقت بین اصول «صداقت در تعیین مجازات» و «قطعیت در تعیین مجازات» در ظاهر تفاوتی نیست و هدف حکومت انگلستان نیز از اصل «صداقت در تعیین مجازات» از میان برداشتن یا کاهش مجازات، آزادی مشروط و آزادی کنترل شده است. تا زمان مطرح شدن طرح «کاغذ سفید» در انگلستان محکومان به زندان حداقل نصف مدت مجازات را گذرانده و مابقی را با اقداماتی به‌طور مشروط به‌صورت آزاد به اتمام می‌رساندند (سازمان اصلاح زندان‌ها، ۱۹۹۶: ۳).

نتیجه طرح «کاغذ سفید» پذیرش این نگرش بود که مجرمانی که به مجازات ۱۲ ماه یا بیشتر زندان محکوم می‌شوند بایستی حداقل هشتاد درصد مدت مجازات را در حبس بگذرانند.^۵

1. New south wales (N.S.W)

2. the sentencing Act

3. white paper

4. honesty in sentencing

۵. حکومت انگلستان فرض را بر این گذاشته که طبق «طرح کاغذ سفید» هر کسی که به کمتر از سه ماه حبس محکوم شده، بایستی تمامی مدت زمان مجازات را در حبس بگذراند و کسانی که تا ۱۲ ماه به مجازات زندان محکوم می‌شوند در صورتی که با مدیریت زندان همکاری لازم را داشته باشند می‌توانند برای هر ماه حداکثر تا ۶ روز تخفیف زندان استفاده کنند و کسانی که بیشتر از ۱۲ ماه محکومیت زندان دارند در صورتی که با مدیریت زندان همکاری لازم را داشته باشند ۳ روز و در صورت مشاهده اصلاح رفتار ۳ روز دیگر جمعاً ۶ روز از تخفیف مجازات می‌توانند بهره‌مند شوند. (نگاه کنید به: سازمان اصلاح زندان‌ها، ۱۹۹۶ b).

قانون مجازات^۱ که در سال ۱۹۹۷ در انگلستان وضع گردید، اصل صداقت در تعیین مجازات را با تغییرات کمی که در طرح «کاغذ سفید» پیش‌بینی شده بود پذیرفت^۲.

کشورهایی که در فرایند اصلاح مجازات وارد شده‌اند اصل دیگری را به اجرا گذاشته‌اند که عبارت است از حداقل مجازات اجباری بدون این‌که ویژگی‌های شخص مجرم و دیگر عوامل تخفیف‌دهنده جرم را در نظر بگیرد، بر ضرورت اجرای حداقل مجازات معین که از طریق قوانین پیش‌بینی گردیده است تأکید می‌ورزد.

قضاتی که مأمور اجرای این مجازات هستند دیگر هیچ‌گونه اختیاری در تعیین مجازات غیر از آن‌که دادستان‌ها طبق قانون خواستار آن هستند ندارند. بدین ترتیب حداقل مجازات‌های اجباری نیز در راستای حذف اختیار قضایی قضات و استنادار نمودن مدت زمان حبس است.

در آمریکا در فرایند‌گذار از سیستم مجازات نامعین به سیستم مجازات معین قوانین جدید به‌طور گسترده به این نوع مجازات گرایش دارند. از سال‌های ۱۹۸۰ به این طرف در آمریکا در قوانین فدرال و ایالتی برای برخی جرایم این نوع مجازات معین پذیرفته شد. امروز در سطح فدرال در شصت قانون متفاوت تقریباً صد نوع مجازات اجباری وضع شده است (FAMM, 2000a & 2000c). در بین این قوانین که به‌طور گسترده اجرا می‌شود و در افزایش تعداد زندانی آشکار می‌شود، اعمال حداقل مجازات اجباری بیشتر ناظر به جرم‌های مواد مخدر

1. sentences Act crime

۲. در این قانون پیش‌بینی شده است که در شرایط استثنایی آزادی مشروط محکومان را وزیر کشور (secretary of state) صادر خواهد نمود (ماده ۱۰/۱). با توجه به «اصلاح رفتار» تصمیم‌های مربوط به آزادی مشروط برای محکومان به زندان بین ۲ ماه تا سه سال قابل اجراست. (ماده ۱۱/۱) فاقدان آزادی مشروط با توجه به اصل اصلاح رفتار محکومان در زندان در ازای هر دو ماه حداکثر ۱۲ روز محاسبه خواهد شد. (ماده ۱۱/۲). از طرف دیگر قانون فوق برای محکومان به بیش از ۲۰ سال نیز آزادی مشروط را پیش‌بینی کرده است؛ اما برای اجرای این قانون باید وزیر کشور به هیئت آزادی مشروط در این راستا پیشنهاد نموده و هیئت نیز این پیشنهاد را بپذیرد. (ماده ۱۰/۲) پیشنهاد ترخیص مشروط فقط برای محکومان به ۳ سال و بیشتر می‌تواند انجام پذیرد. (ماده ۱۲/۱). مضافاً تنها آزادی محکومیتی که ۵/۶ مجازات را گذرانده‌اند و از طرف وزیر کشور به هیئت آزادی مشروط پیشنهاد داده شود امکان پذیر است. (ماده ۱۲/۲). می‌بینیم که با این قانون در انگلستان نیز آزادی مشروط به یک اقدام استثنایی تبدیل گشته و آزادی مشروط در عمل از میان برداشته شده است. برای اطلاع بیشتر از متن قانون مذکور رجوع شود به:

crime (sentences) Act, 1997, chapter 43, (www.hmso.gov.uk/Acts_1997/93.htm), (12.09. 2000)

است. در آمریکا در سطح فدرال پیش‌بینی حداقل مجازات اجباری برای جرایم مواد مخدر یک پدیده جدید نبوده و سابقه آن به ۱۹۵۱ بر می‌گردد. اما در سال‌های ۱۹۸۰ مجازات مربوط به مواد مخدر افزایش یافته و این مجازات به صورت گسترده به اجرا گذاشته شده است. در سال ۱۹۸۴ کنگره آمریکا با قبول قانون پیشگیری از وقوع جرم^۱ برای جرایم ناشی از مواد مخدر حداقل مجازات اجباری ۵ سال حبس را تعیین نموده است.

قانون منع سوءاستفاده از داروهای غیرمجاز^۲ نیز که در سال ۱۹۸۶ وضع گردید نیز مانند سیاست پیشگیری مواد مخدر در سیستم عدالت مجازات تغییرات اساسی ایجاد نموده است. با این قانون حداقل مجازات اجباری در رابطه با مجازات جرایم مواد مخدر افزایش یافته و بسته به نوع مواد مخدر برای توزیع‌کنندگان آن حداقل ۵-۱۰ سال مجازات حبس تعیین شده است. در سال ۱۹۸۸ کنگره علاوه بر قانون فوق تدابیر دیگری نیز اتخاذ نموده است و با وضع یک قانون جدید^۳ برای استعمال‌کنندگان مواد مخدر مختلف مجازات‌های مختلف پیش‌بینی شده و جهت‌گیری جرایم ناشی از مواد مخدر برای قشر خاصی ادامه یافته است. قانون در مجازات بین استعمال‌کنندگان مواد مخدر از نوع کراک کوکائین که نسبتاً ارزان و بیشتر سیاه‌های نادار از آن استفاده می‌کنند و هروئین و گرد کوکائین که عمدتاً سیاه‌های ثروتمند استعمال می‌نمایند تمایز قائل است. برای حمل ۵ گرم کراک کوکائین حداقل مجازات اجباری ۵ سال زندان تعیین شده و برای حمل ۵۰۰ گرم گرد کوکائین همین میزان را ضروری دانسته است. امروز در آمریکا این دستورالعمل یکی از دلایل عمده افزایش زندانیان سیاه‌پوست است. با این‌که در راستای این ادعا که قانون فوق مغایر با اصل تساوی است و قانون مذکور بایستی تغییر یافته و بین حمل‌کنندگان هر دو نوع مواد مخدر مجازات متشابه تعیین شود مطرح است که اولاً، کنگره این درخواست را رد نموده است (سازمان اصلاح زندان‌ها، ۱۹۹۷ e و ۷) ثانیاً، با این‌که امروزه اصطلاح مبارزه با مواد مخدر در سیاست‌های آمریکا رایج است اما کنگره به دست داشتن در شبکه قاچاق مواد مخدر متهم است.

در رسانه‌های آمریکا مستنداً ثابت شده است که شبکه‌های سری آمریکا در محله‌های حاشیه‌نشین سیاه‌پوست به‌طور پنهانی مواد مخدر پخش می‌کنند (گولدبرگ و ایوانز، ۲۰۰۳: ۳-۴). در قوانین فدرال و ایالات تعیین حداقل مجازات اجباری به‌طور روزافزون جهت انواع جرایم ادامه دارد. اجرای حداقل مجازات اجباری برای جرایم خشونت‌بار و اقدامات مسلحانه تازگی نداشته، با این‌همه برای آن نوع جرایمی که قبلاً مجازاتی پیش‌بینی نشده بود

1. crime control act

2. Anti-Drug Abuse Act

3. omnibus Anti-Drug Abuse Act of

حداقل مجازات اجباری تعیین شده است. یکی از حلقه‌های اخیر این پیشرفت مطرح بودن مجازات مشابه برای جرایمی چون «ترور» است (FAMM, 2000: 2). در برخی ایالت‌های آمریکا پیشگامان تغییر حداقل مجازات اجباری از مدت‌ها پیش قانونی در این مورد تصویب کرده‌اند. در سال ۱۹۷۳ ایالت نیویورک برای فروشندگان و حمل‌کنندگان مقدار کمی مواد مخدر ۱۵ سال زندان اجباری و ایالت میشیگان نیز در سال ۱۹۷۸ برای فروشندگان و حمل‌کنندگان ۶۵۰ گرم مواد مخدر حبس ابد اجباری تعیین نموده‌اند.

تا سال ۱۹۸۳ در ۴۰ ایالت آمریکا دستورالعمل‌های مشابه پذیرفته شده است (FAMM, 2000d: 5). در آمریکا تعیین حداقل مجازات‌های اجباری به افزایش تعداد زندانیان در این کشور منجر شده و در سطح وسیعی پذیرفته شده که این مجازات اصلاح‌کننده نبوده و نشان بارز این واقعیت نیز همان افزایش تعداد زندانیان است؛ اما اساساً هدف حداقل مجازات اجباری اصلاح‌کننده نیست. این مجازات‌ها که به منزله ابراز سیاست‌های (خط مشی) مجازات آمریکا است به افزایش تعداد محکومان دامن زده و بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که هدف مجازات اصلاح نبوده و عمدتاً فقط مجازات است. در آمریکا حداقل مجازات‌های اجباری اعتماد بعضی از قضات را نسبت به سیستم عدالت کیفری سلب نموده است. بحث‌های مخالف (مشاجره) در رابطه با ناعادلانه بودن تصمیم‌های قضایی در تعیین حداقل مجازات اجباری دلایل این پدیده است (FAMM, 2000b) اما یکی از عناصر مهم فرآیند اصلاح مجازات این است که تعداد زندانیان افزایش یافته است. بدان جهت کشور انگلستان علی‌رغم انتقادهای وارده داخلی، خود نیز تغییراتی را در راستای قوانین کشور آمریکا قبول نموده است. قانون مجازات حبس اجباری که در حکومت انگلیس با طرح اصطلاح «کاغذ سفید» مطرح گردیده وارد قانون مجازات مورخ ۱۹۹۷ شده است.^۱

یکی از موارد حداقل مجازات اجباری که در فرآیند اصلاح مجازات در سطحی وسیع پذیرفته شده، مجازات کردن کسانی است که مجدداً مرتکب جرم می‌شوند. در حال حاضر تدوین قوانینی مطرح است تا کسانی که قبلاً یک‌بار یا دوبار مرتکب جرم شده‌اند در صورت ارتکاب جرم دیگر به‌طور خودکار به مجازات سنگین‌تر محکوم می‌گردند. این اصل مجازات سنگین با اصطلاح «بعد از سه بار آسیب رساندن کارت تمام می‌شود»^۲، بیان می‌شود. این اصل قواعد مجازات را که اصلاً سخت بودند سخت‌تر نموده است. در آمریکا با اجرای خودکار مجازات سنگین برای کسانی که برای سومین بار مرتکب جرم شده‌اند مجازات زندان ابد

1. Crime (sentences) Act 1997. Chapter, 43, part 1

2. three strikes and you are out

تعیین گردیده و تا به امروز در اکثر ایالت‌ها و سطح فدرال مقررات به اجرای گذاشته شده است (سازمان اصلاح زندان‌ها، a: ۱۹۹۶: ۲).

در ایالت کالیفرنیا که در بین ایالت‌های آمریکا بالاترین نسبت محکومان را داشته، اجرای مجازات سنگین برای مجرمینی که مرتکب تکرار جرم می‌شوند رایج‌تر است. در این ایالت با تنظیم و پذیرش قوانین جدید در مورد کسانی که برای سومین بار مرتکب تکرار جرم می‌شوند مجازات ۲۵ سال تا حبس ابد پیش‌بینی گردیده است. ضرورتی ندارد که نوع جرم سومی حتماً از نوع جرم خشونت‌آمیز باشد. به‌علاوه برای کسانی که دومین بار مرتکب جرم می‌شوند مجازات آن‌ها به دو برابر می‌رسد. این حکم مجازات در ایالت کالیفرنیا بر فرایند دادرسی و تعداد محکومان بسیار مؤثر بود، هر سال به دعوی هزاران نفر که برای «دومین و سومین» بار مرتکب جرم شده‌اند رسیدگی می‌شود. در کالیفرنیا در ژانویه ۱۹۹۶، ۱۴۴۷ نفر به خاطر این‌که برای سومین بار از قانون تخطی نموده‌اند به زندان‌های ایالت فرستاده شدند.

در این ایالت قوانین مجازات سنگین آن‌قدر تعداد دعوی جزایی را افزایش داده که سال‌ها دادرسی کیفری برای این کار کفایت نمی‌کند. در سال ۱۹۹۶ در لس‌آنجلس ۳۰٪ سالن‌های مختص دادرسی مدنی برای دادرسی‌های جزایی به کار گرفته شده است (سازمان اصلاح زندان‌ها، d: ۱۹۹۷: ۳-۴).

خطاهایی که جرم محسوب می‌شود، در صورتی‌که از طرف کسی تکرار شود، اعمال مجازات سنگین را در پی دارند، اما این‌که کدام خطا جرم محسوب می‌شود در هر ایالت‌ها ممکن است متفاوت باشد. با این‌همه مشاهده می‌شود که تعداد جرایمی که در چارچوب جرم تکراری قرار می‌گیرد خیلی بالاست. در حالی‌که واشنگتن ۲۰ نوع جرم جدی را فهرست می‌نماید کالیفرنیا علاوه بر ۲۵ نوع جرم جدی ۲۴ نوع جرم خشونت‌آمیز را نیز پذیرفته است (سازمان اصلاح زندان‌ها، a: ۱۹۹۶: ۲). مطابق قوانین کالیفرنیا کسی که قبلاً دوبار مرتکب جرم شده در صورتی‌که برای بار سوم مرتکب یک جرم ساده مانند دزدی شود این جرم آخری را یک جرم سنگین تلقی نموده و برای مجرم بین ۲۵ سال تا حبس ابد مجازات پیش‌بینی نموده است.

به همین جهت در کالیفرنیا تعداد کسانی که با ارتکاب جرمی از قبیل دزدی دو عدد سیگار و یا یک پاکت شکلات و پیتزا برای سومین بار مرتکب جرم شده و به مجازات حبس ابد محکوم شده‌اند کم نیست. در کالیفرنیا با توجه به قانون سه تخلفی، در سال ۱۹۹۶، ۸۵٪ محکومان را کسانی تشکیل می‌دادند که مرتکب جرم خشونت‌آمیز شده بودند. پدیده دیگری که در آمریکا جلب توجه می‌کند این است که اکثریت کسانی که از طریق این قوانین به مجازات محکوم شده‌اند

سیاه پوست بوده‌اند. برای مثال در سال ۱۹۹۵ در کالیفرنیا با توجه به قوانین سه تخلفی ۴۳٪ محکومان را سیاه‌پوست‌ها تشکیل می‌دادند.

در صورتی‌که از این ایالت سیاه‌پوست‌ها تنها ۷٪ کل جمعیت و ۲۰٪ کل محکومان را تشکیل می‌دهند. در کالیفرنیا این نسبت برای سفید پوست‌ها که از قوانین سه تخلفی مجازات شده‌اند کمتر از ۲۵٪ بوده در حالی‌که در جمع کل محکومان جزایی نسبت سفیدها حدود ۳۳ درصد را تشکیل می‌داد و از لحاظ جمعیت ایالت با نسبت ۵۳٪ اکثریت را داراست. (سازمان، اصلاح زندان‌ها، a: ۱۹۹۶: ۳). این شرایط نیز در آمریکا نشانه دیگری برای انعکاس بعد تبعیض نژادی در سیاست‌های نوین مجازات است.

اعمال مجازات حبس اجباری برای مجرمان تکراری در فرایند دادرسی نیز از میان برداشتن اختیار قضایی قضات را موجب گردیده است. قاضی با مراجعه به جدولی که در کمیسیون جزایی با توجه به ماهیت و تعداد جرمی که مجرم مرتکب شده، آماده می‌گردد تصمیم لازم را اتخاذ می‌نماید. در یک طرف این جدول جرایمی که مجرم در گذشته مرتکب شده و در طرف دیگر نیز آخرین جرمی که مرتکب شده ثبت می‌گردد. نقطه تقاطع دو طرف جدول میزان مجازاتی را که قاضی باید تعیین کند معین می‌سازد (سازمان، اصلاح زندان‌ها، a: ۱۹۹۷: ۴). همان‌طوری‌که مشاهده می‌گردد، در آمریکا در فرایند دادرسی دیگر برای قضات در تصمیم نهایی نقش تأثیرگذاری نمی‌ماند. درخواست مجازات دادستان برای مجرم به حکم قضایی تبدیل می‌گردد و بدین ترتیب در عدالت کیفری عملاً قضات از فرایند دادرسی حذف شده‌اند. در انگلستان نیز مجازات سنگین برای جرایم تکراری در سال ۱۹۹۷ با وضع قانون مجازات پذیرفته شده است. در این قانون برای افرادی که در ارتکاب دوم مرتکب یک جرم جنایی می‌شوند مجازات حبس ابد اجباری و قطعی است و برای کسانی که بار سوم مرتکب جرم حمل مواد مخدر می‌شوند، حداقل ۷ سال حبس اجباری و برای کسانی که در سومین جرم خود در ساختمان محل اقامت خود مرتکب جرم دزدی شوند، حداقل سه سال حبس اجباری تعیین می‌گردد. در انگلستان ثبت تقریباً هفتصد هزار جرم سرقت خانگی^۱، (شاو، ۱۹۹۸: ۵) نشانگر افزایش جمعیت محکوم به زندان است که از میزان بالایی خبر می‌دهد. در مورد قوانین جدید مجازات، اصول اصلاحاتی که کشورهای آمریکا، استرالیا، و انگلستان پذیرفته‌اند در دیگر کشورها نیز گسترش یافته است.

کشورهای امریکای لاتین نیز مشابه اصلاحاتی را که در آمریکا در مورد جرایم مواد مخدر

1. domestic burglary

تعیین شده از دهه ۱۹۸۰ پذیرفته‌اند. در آمریکای لاتین نسبت محکومان به حبس به‌علت ارتکاب جرایم حمل مواد مخدر به کل محکومان زندان به‌طور متوسط بین ۶۰ تا ۳۳ درصد می‌باشد. (سینگ، ۱۹۹۲: ۲). در قوانین جدید جزایی در کشورهای آمریکای لاتین برای حاملان مواد مخدر به مقدار کم مجازات حبس سنگین‌تر تعیین شد و این قوانین در افزایش جمعیت محکومان به حبس نقش بارزی ایفا نموده است. در آمریکای لاتین محکومان به حبس به جرم حمل و فروش مواد مخدر اکثریت محکومان را تشکیل می‌دهند. در برزیل از ۱۱۱۸ نفر کل زندانی تنها ۴۰۰ نفر با جرایم غیر مواد مخدر به حبس محکوم شده بودند. در جامائیکا حدود ۵۰٪ تعداد محکومان به زندان در رابطه با جرم مواد مخدر برآورد شده، در حالی که در گرانادا هشتاد درصد محکومان جوان متهم به مواد مخدر بودند. (همان: ۶).

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در کشورهای آمریکای لاتین که تمایل به تعقیب سیاست به‌ظاهر مقابله با مواد مخدر آمریکا دارند، نتیجه اعمال این سیاست افزایش شدید جمعیت محکوم به حبس در این کشورها است. در یک جمع‌بندی کلی دانسته می‌شود که در افزایش جمعیت زندان با توجه به شرایط ویژه مناطق مختلف یک نوع جرم مشخص نقشی محوری ایفا می‌کند. نقشی که جرم دزدی در انگلستان ایفا می‌کند در آمریکا لاتین جرایم مواد مخدر بازی می‌کند. تنها نقطه مشترک میان این مناطق آن است که با وجود تفاوت جرایم انبوه محکومان به حبس در همه‌جا از طبقات فقیر هستند.

گسترش جرایم مواد مخدر در کشورهای آمریکای لاتین ناشی از نبود منابع معیشت به‌عنوان یک واقعیت جامعه‌شناختی است. در کشورهای آمریکای جنوبی نیز بحث تنظیم لوایح قانون مجازات متأثر از فرآیند اصلاحات در آمریکا در اواخر سال‌های ۱۹۹۰ پیش آمده و لوایح قانونی آزادی با تأمین کفالت را سخت‌تر نموده و برای جرایمی معین که ماهیت خشونت داشته حداقل مجازات پیش‌بینی شده است. (گیفورد، ۲۰۰۰: ۲).

ج: ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اصلاح مجازات‌ها

مهم‌ترین نتیجه حاصل از سیاست‌های نوین مجازات روانه‌کردن انسان به زندان است. در سال‌های ۱۹۹۰ در سطح دنیا تعداد زندانیان رو به افزایش بوده است. در کشورهای مختلف جمعیت محکوم به زندان به‌صورت مضاعفی رو به افزایش است. امروزه بیشترین تعداد زندانی در دنیا در آمریکا است که مثلاً رهبر جنبش اصلاح مجازات قلمداد می‌شود. در حال حاضر تعداد زندانیان در این کشور تقریباً به دو میلیون نفر رسیده است. در صورتی که در سال ۱۹۸۰ این رقم در حدود پانصد هزار نفر بوده است.

در سال ۱۹۸۰ در حالی که تعداد افراد تحت نظارت سیستم جزایی ۱/۸۴۰/۴۰۰ نفر بود این رقم در سال ۱۹۹۰ به ۶/۳۱۸/۹۰۰ افزایش یافته است. از سال ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰ در مقابل هر صد هزار شهروند آمریکایی حدوداً صد نفر محکوم به زندان وجود داشته که از سال ۱۹۷۰ به این طرف این رقم نیز افزایش یافته در سال ۱۹۷۶ به ۱۲۰ و در سال ۱۹۸۶ به ۲۰۲، و در سال ۱۹۹۱ به ۳۱۳ و در سال ۱۹۹۹ به ۴۶۸ نفر رسیده است و بدین ترتیب بالاترین نسبت بازداشت کردن در طول تاریخ امریکا اختصاص دارد. (گولدبرگ و ایوانز، ۲۰۰۰: ۱).

در کشورهای اروپایی نیز جمعیت زندانی رو به افزایش است. در انگلستان در سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۷ تعداد زندانیان ۲۶٪ افزایش یافته است. در این کشور تعداد زندانیان در سال ۱۹۹۶، ۵۵۰۰۰ نفر بوده که تنها در یک دوره دو ساله ۱۹۹۶-۱۹۹۸ ده هزار نفر دیگر به آن اضافه شده است. (شاو، ۱۹۹۸: ۴). و این ارقام در تاریخ معاصر انگلستان بالاترین تعداد زندانی را نشان می‌دهد. در کشورهای دیگر اروپایی نیز بین سال‌های ۱۹۸۷-۱۹۹۵ نسبت افزایش زندانیان به ترتیب در هلند ۱۰۶٪، اسپانیا ۷۰٪، یونان ۴۷٪، ایتالیا ۴۱٪، پرتغال ۴۰٪، نروژ ۳۶٪ بوده است (سازمان اصلاح زندان‌ها، f ۱۹۹۷: ۱-۲). و در بین کشورهای اتحادیه اروپا، روسیه در سال ۱۹۹۵ با رقم ۱/۰۱۷۳۷۲ نفر زندانی بالاترین تعداد زندانی را داشته است.

در قاره اروپا نسبت محکومان به زندان در کشورهای بلوک شرق سابق بالاترین سطح را نشان می‌دهد، به نحوی که با توجه به ارقام سال ۱۹۹۵ در مقابل هر صد هزار نفر به ترتیب در: روسیه ۶۷۰ نفر، لتونی ۳۷۵ نفر، استونی ۲۷۰ نفر، رومانی ۲۰۰ نفر، جمهوری چک ۱۹۰ نفر، لهستان ۱۷۰ نفر، اسلواکی ۱۵۰ نفر، مجارستان ۱۲۰ نفر زندانی وجود داشته است. در دیگر کشورهای اروپا با توجه به ارقام سال ۱۹۹۵ از هر صد هزار نفر در پرتغال ۱۲۵ نفر، اسپانیا ۱۰۰ نفر، انگلستان ۱۰۰ نفر، فرانسه ۹۵ نفر و آلمان، اتریش، ایتالیا و ترکیه ۸۰ نفر، بلژیک ۷۵ نفر، هلند، سوئد، دانمارک ۶۵ نفر، فنلاند ۶۰ نفر، یونان، ایرلند، مالت، نروژ ۵۰ نفر، ایسلند ۴۰ نفر، قبرس ۳۰ نفر، آمار زندانی اعلام گردیده است (HLPR, 1997).

این موقعیت نتیجه آشکار فقر کشورهای سوسیالیست سابق و وارد شدن به نظام سرمایه‌داری است. ملاحظه می‌شود که سیاست‌های جهانی شدن در سطح دنیا در افزایش جمعیت زندانی مؤثر بوده است. گسترش بیکاری و فقر در سوق دادن قشر وسیع جامعه به ارتکاب جرم مؤثر بوده است و این موقعیت نیز منجر به افزایش جمعیت زندانی می‌شود که در چارچوب نظام به ظاهر عدالت‌جویانه کیفری قرار می‌گیرد. افرادی که به زندان‌ها فرستاده می‌شوند اغلب قشر محروم جامعه هستند و فقیران بیشترین محکومان به حبس هستند. در کشورهای نژادپرست یک بعد دیگر سیاست‌های مجازات بُعد نژادپرستی حاکمان است. برای

مثال تنها ۱/۳ تعداد زندانیان زندان‌های آمریکا سفیدپوست هستند و بقیه نژاد آمریکایی و یا آمریکایی لاتین هستند.

در زندان‌های ایالات آمریکا تعداد زندانیان اقلیت قومی و نژادی نسبت به جمعیت زندانیان در سال ۱۹۸۶، ۶۰٪ بوده است و این نسبت در سال ۱۹۹۱ به ۶۵٪ رسیده است. در سال ۱۹۹۴ در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ از هر سه مرد سیاهپوست یکی طعم نظام عدالت کیفری را چشیده است. نسبت مردان سیاه که به زندان فرستاده می‌شوند هفت برابر بیشتر از مردان سفید پوست است. (راجس، ۱۹۹۸: ۲). همین‌طور نسبت محکومیت سیاهپوست‌ها به حبس ابد تقریباً هفت برابر بیشتر از سفیدپوستان بوده است. در زندان‌های آمریکا ۱۶/۲٪ سیاهپوست‌ها، ۹/۴٪ آمریکایی‌های نژاد لاتین و ۲/۵ درصد سفیدپوست‌ها به مجازات حبس ابد محکوم گردیده‌اند. نسبت کل کسانی که در آمریکا به مجازات حبس ابد محکوم گردیده‌اند نیز در سطح وحشتناکی است. با توجه به آمار زیر در زندان‌ها از هر ۲۰ نفر یک نفرشان (۵/۱٪) به مجازات حبس ابد محکوم شده است.^۱ این وضع نیز یکی از نتایج قوانین جدید مجازات سنگین در آمریکا است. تنها قشری که بیشترین ستم را از قوانین متحمل شده و بالاترین نسبت جمعیت زندان‌ها را تشکیل داده قشر فقیر سیاهپوست‌ها بوده است. با توجه به این که در آمریکا در سال ۱۹۹۴، ۳۳٪ جمعیت سیاهپوست در زیر خط فقر زندگی می‌کردند (اولسون، ۱۹۹۴: ۲)، پر واضح است که سیاست‌های حبس کردن افراد غیر سفید پوست، مهاجر، بیکار، و محروم از آموزش و پرورش و بی‌بهره از ارتباطات و زدوبندهای ویژه خسارات اقتصادی و اجتماعی سنگینی به بار آورده است. اصولاً در آمریکا به سیاهان به‌عنوان مجرم نگاه می‌شود و آن‌ها را به بهانه مبارزه با مواد مخدر یا مسائل جنایی به زندان می‌فرستند، به‌طوری‌که امروزه بیشترین گروه زندانیان در آمریکا سیاهانی هستند که به جرم حمل و فروش مواد مخدر محکوم شده‌اند. از سال ۱۹۷۰ به این طرف تعداد افراد سیاهپوست دستگیر شده به جرم حمل و فروش مواد مخدر به‌طور مستمر افزایش یافته و نسبت مجرمان غیر مواد مخدر نیز در سال‌های اخیر کاهش یافته است.

آمارها امروزه در آمریکا تنها در جرایم مواد مخدر افزایش نشان می‌دهد.^۲ این شرایط متأثر از سیاست‌های دولت است که با وضع قوانین جدید مواد مخدر قصد دارند زندان‌ها را از سیاهان پر

۱. رجوع شود به: (www.ojp.us. doj.gov/bjs/crimoff.htm (11.11, 2000).

۲. در مورد آمار دادگستری آمریکا (US Department of Justice/Bureau of Justice statistics) رجوع شود به:

(www.ojp.usdoj.gov/bjs/glanee) (/draag. htm), (/viort. htm), (/theft. ntm), (/burg. htm) (/house 2. htm) (/job. htm), (/rope. htm), (aslt. htm), (/hmrt. htm), (25.lo. 2000).

کنند. علاوه بر آن، تحقق اصلاحات و به اجرا گذاشتن قوانین مجازات سنگین با کاهش آمارهای جرایم غیر مواد مخدر واقعیت بی‌اساس بودن ترس از جرایم مذکور را که به جامعه آمریکا تحمیل گردیده آشکار می‌سازد.

از طرف دیگر، در قاره اروپا نیز نسبت زندانیان اقلیت‌های قومی و نژادی افزایش یافته است. برای مثال در انگلستان در آوریل ۱۹۹۶ هشت درصد جمعیت زندانی را خارجی‌ان تشکیل می‌داد. نسبت زندانیان خارجی تنها بین آخر ۱۹۹۴ - آوریل ۱۹۹۶ یعنی یک دوره شانزده ماهه در حدود ۲۱٪ افزایش یافته است (سازمان اصلاح زندان‌ها، ۱۹۹۴: ۱). در ماه ژوئن ۱۹۹۶ در انگلستان به ازای هر صد هزار نفر جمعیت، ۱۲۴۵ نفر زندانی سیاهپوست و ۱۸۵ نفر سفیدپوست و ۱۶۸ نفر از جنوب شرق آسیا اعلام شده است. این ارقام در انگلستان نیز به علایم آشکار «قشر مجرم» بودن اقلیت‌های قومی و نژادی اشاره دارد.

افزایش تعداد زندانی با افزایش مساحت ساختمان زندان‌ها ارتباط تنگاتنگی دارد. در سال‌های اخیر در سطح دنیا هزاران زندان جدید ساخته شده است، برای مثال در ۲۰ سال اخیر در آمریکا حدوداً هزار زندان جدید ساخته شده است (اشلاسر، ۱۹۹۸: ۳). و تنها در سال ۱۹۹۵، صد و پنجاه زندان جدید ساخته شد و صد و هفتاد و پنج زندان موجود گسترش یافته است (بدونه، ۱۹۹۵: ۱). در انگلستان نیز ساخت دوازده زندان جدید و گسترش ظرفیت زندان‌های موجود در دستور کار بوده است. (PPRI, June 1996: 2)

حکومت بلژیک ساخت هزار بند جدید زندان را در برنامه خود قرار داده است (PPRI, March 1997: 2). و تنها در شهر آنتاریو کانادا نیز پنج زندان بزرگ ساخت شده است (PPRT, October 1996: 4). و حکومت برزیل هم به ساخت ۵۲ زندان جدید اقدام نموده است (PPRI, July, 1997: 2). حکومت شیلی برای ساخت ده زندان جدید در جست‌وجوی سرمایه بوده است و در اروگوئه نیز افتتاح چهار زندان جدید برنامه‌ریزی شده است (PPRI July, 2000: 17). این ارقام در سطح دنیا تنها چند نمونه از اقدامات مربوط به افزایش تعداد زندان‌هاست. شواهد نشان می‌دهد که امروزه بسیاری از کشورها با اقدامات مربوط به افزایش تعداد زندان و زندانی در سیاست از آمریکا پیروی می‌کنند.

طبیعی است که افزایش تعداد زندان‌ها هزینه‌های مالی را به میزان فوق‌العاده‌ای افزایش می‌دهد. در آمریکا در حالی که در سال ۱۹۸۲ سهم هزینه صرف‌شده دولت جهت مجازات حدود ۹ میلیارد دلار بوده در سال ۱۹۹۶ به ۴۱ میلیارد دلار افزایش یافته است^۱. دولت منابعی

۱. در رابطه با هزینه مجازات در آمریکا بین سال‌های ۹۶-۱۹۸۰ در آمریکا رجوع شود:

را که در گذشته به مواردی از قبیل آموزش و بهداشت تخصیص می‌داد به بودجه زندان‌ها انتقال داده است. در ایالت کالیفرنیا از سال ۱۹۸۴ به این طرف بیش از بیست زندان جدید ساخته شده، در مقابل تنها یک کمپ جدید دانشگاه افتتاح شده است. در کالیفرنیا در سال ۱۹۹۶-۱۹۹۷ از بودجه عمومی ایالت ۸/۷ درصد به آموزش و ۹/۶ درصد به مجازات تخصیص یافته است. (دیویس، ۱۹۹۴: ۴).

بدین ترتیب در گذشته‌ای نزدیک برای نخستین بار بودجه تخصیص یافته برای مجازات از بودجه تخصیص یافته برای آموزش عالی بیشتر بوده است. مالیات به دست آمده از شهروندان نیز در زمینه‌هایی چون آموزش و بهداشت مصرف نشده بلکه به امر مجازات اختصاص یافته است. بدیهی است هر چه دولت از شرایط دولت منتخب فاصله گرفته بر شمار بیکاران و فقرا افزوده شده و به طبع تعداد مجرمان افزایش یافته و نیاز حکومت به زندان بیشتر شده است. روشن است که سیاست‌های مجازات نتوانسته راهگشای مشکلات عمیق اجتماعی باشد، اساساً سیاست مجازات در فکر اصلاح مشکلات اجتماعی نبوده و نیست، بلکه فقط درصد زندانی کردن بیکاران و فقرا بوده است. سیاست‌های جدید اصلاحات به جای آن که بر آن باشد تا مشکلات اجتماعی را از ریشه مرتفع نماید، متأسفانه همزمان با تصفیه دولت مردمی و فاصله گرفتن از عدالت‌گستری تنها درصد محو آثار منفی مشکلات اجتماعی بوده و پیوسته سعی داشته با وضع قوانین سنگین مجازات جامعه را به زیر کنترل خود درآورد.

در تعیین سیاست‌های مجازات، بعضی عوامل اقتصادی نیز وجود دارد که در درون این عوامل بهره‌برداری از دسترنج زندانی بارزتر است. این عوامل سیاست‌های مجازات را در راستای گسترش لشگرکارگر - زندانی که زیر فشار نگهداران زندان حداکثر تولید را به قیمت ارزان تولید می‌کنند سوق داده است^۱. برای بهره‌برداری از دسترنج زندانی در عصر دولت مردمی محدودیت‌های تعیین شده و صدور محصولات تولید شده به دست زندانی‌ها به خارج از کشور ممنوع شده بود. اما امروزه این قوانین و محدودیت‌ها لغو شده و عملاً تولید محصولات زندانیان در تجارت بین‌المللی عرضه می‌شود. رواج این اوضاع حاکی از این است که بهره‌کشی از

→ "Source book of Criminal justice statistics 1999" /3-4 (w.w.w Albany eda/sour book/1955/pdf/t). (12. 11. 2000).

۱. اجبار زندانیان به کار یکی از موارد نقض حقوق بشر است برای مثال ماده ۴ پیمان حقوق بشر اروپا بر همین نکته تأکید دارد. همچنین در عصر دولت مردمی برای به کارگیری زندانیان محدودیت‌هایی قائل شده‌اند. مثلاً ماده ۱۴ قانون جزایی ترکیه در به کارگیری زندانیان بر اصل رضایت زندانی تأکید کرده است.

دسترنج زندانیان صورت قانونی به خود گرفته و زندان‌ها به اردوگاه کار ارزان و اجباری تبدیل شده است.

پس از وضع قوانین جدی در اصلاح مجازات تعداد زندان‌ها و زندانیان افزایش یافته، با این وصف اتخاذ تصمیم بدون در نظر گرفتن مسائل اقتصادی مقدور نیست. است شمار دسترنج زندانی در آمریکا یکی از اهداف مهم قوانین نوین مجازات است مانند قوانینی که بعد از سال‌های ۱۹۷۰ به اجرا در آمد و زندان‌ها را به کارخانه‌های نرده آهنی تبدیل نمود.

کنگره آمریکا برای نخستین بار در سال ۱۹۷۹ در مورد توسعه «صنعت زندان» هفت پروژه مقدماتی را تصویب نمود و در سال ۱۹۹۰ نیز تعداد پروژه‌های مقدماتی از پنجاه عدد گذشت (پنس، ۱۹۹۶: ۲). در دهه ۱۹۹۰ ایالت‌ها از یک طرف ضمن وضع قوانین جدید مبنی بر ضرورت کار زندانیان در زندان^۱ در نظر داشته‌اند شمار زیادی از زندانیان را به استخدام درآوردند^۲ کار اجباری برای زندانیان در سطح فدرال نیز پذیرفته شده است. علاوه بر آن امنیت اصل کار نیز با قواعد انضباطی تضمین شده است. در آمریکا در سطح فدرال برای زندانیان حداقل روزانه هفت ساعت کار اجباری تعیین گردیده و برای کسانی که مقاومت کنند و یا عملکردی نامناسب داشته باشند مقررات انضباطی در نظر گرفته‌اند.^۳

در سطح ایالات نیز مقررات انضباطی در کار به طور اجباری به اجرا گذاشته شده است. برای مثال در زندان ایالت اورگن در صورتی که محکومان، کار را قبول نکنند، با مجازات بیشتر و محرومیت از انواع حقوق و سلول انفرادی مواجه خواهند شد (ارلیش، ۱۹۹۵: ۲۰). در کالیفرنیا محکومانی که روزها را با کار می‌گذرانند مدت مجازات آنان کاهش می‌یابد و محکومانی که تن به کار اجباری نمی‌دهند مجبور به تحمل دو برابر مدت مجازات خواهند

۱. برای مثال در ایالت اورگن تغییر قانون مبنی بر ۴۰ ساعت کار اجباری برای زندانیان در هفته در اول آوریل ۱۹۹۵ به اجرا گذاشته شد. تا دسامبر ۱۹۹۶، ۵۱٪ درصد زندانیان زندان اورگن به کار گماشته شدند و مسئولان امکان استخدام کلیه محکومان را در طول ۱۰ سال پیش‌بینی کرده‌اند (پنس، ۱۹۹۸: ۲).

۲. برای مثال در ایالت واشنگتن در سال ۱۹۹۳ با وضع قانونی به واحد تعیین مجازات و اشنگتن این اختیار داده شده است که در سال تعداد ۳۰۰ زندانی در موقعیت استخدام قرار گرفته و تا سال ۲۰۰۰ این تعداد به ۱۵۰۰ نفر برسد (رجوع شود به پنس، ۱۹۹۶: ۳).

۳. رجوع شود به:

Federal Bureau of prisons program statements, 5251/05-work and performance pay Program Inmate (12/37/98) and 545. 24 (www.bop.gov/progstat/5251-html (25.10.2000)

شد و علاوه بر آن حق ملاقات با خانواده را نداشته، از بوفه زندان محروم گشته و خارج از موارد اضطراری حق استفاده از تلفن را نیز نخواهند داشت. در صورتی که اجازه ورود به محوطه زندان را داشته باشد از ارتباط گروهی با دیگر محکومان و هرگونه کار گروهی محروم خواهند شد (برونه، ۱۹۹۵: ۴). در انگلستان نیز از سال ۱۹۹۰ مقرراتی وضع شده تا محکومان روزانه حداکثر ده ساعت کار کنند و اگر مقدور باشد در خارج از سلول با دیگران همکاری نمایند^۱. با توجه به مقررات زندان در انگلستان در صورتی که محکومان کار را با میل و به شکل مناسب انجام ندهند یا آن‌طوری که باید انجام نداده باشند و یا قبول نکرده باشند تخلف انضباطی تلقی می‌شود. بر طبق ماده (۵۲/۲۱) در مقابل این قبیل تخلفات انضباطی مدیر زندان اختیار اعمال انواع مجازات را دارد که بعضی از این مجازات عبارتند از:

۱. محرومیت از انواع حقوق ۲. محروم شدن از کار کردن با دیگران ۳. کسر سود دسترنج ۴. مجازات در سلول ۵. افزایش مدت مجازات (ماده ۵۵).
- به طوری که ملاحظه می‌شود، قوانین جدید اصلاح مجازات با مقررات بی‌رحم زندان همراهی می‌نمایند. این مقررات حتی به صورت ظاهر نیز با هدف اصلاح محکومان امکان سازگاری ندارد و گویی هدف آن فقط بهره‌کشی از زندانیان و سوءاستفاده از نیروی کار ارزان آن‌هاست. سیاست‌های جدید که در راستای کار اجباری محکومان به اجرا در آمده با هدایت محکومان در جهت برنامه‌های اجتماعی مفید و فراهم کردن مخارج خود با مشاگره دستور کار بوده و به جامعه نیز بدین شکل تحمیل گردیده است اما پرواضح است که اصلاحات جدید در زندان‌ها شرایط غیر انسانی را شدت بخشیده است. در آمریکا برنامه «توسعه صنعت زندان» که از سال ۱۹۷۹ به این طرف مطرح شده به بخش خصوصی نیز اجازه می‌دهد از دسترنج محکومان استفاده کند^۲. یعنی تنها بازیگر توسعه صنعت زندان دولت نبوده، بخش خصوصی نیز با عقد قراردادهایی با مدیریت زندان در به‌کارگیری و بهره‌برداری از دسترنج محکومان وارد عمل شده است. امروزه بسیاری از شرکت‌های پیشرو آمریکا محصولات خود را در زندان‌های آمریکا تولید می‌کنند که در بین این شرکت‌ها آن‌ها که در

۱. برای اطلاع از متن مقررات زندان مراجعه شود به:

(www.penlex.org.uk/pages/rules_99.htm), (12.09. 2000).

۲. برای مثال در مورد اجرای برنامه توسعه صنعت زندان در ایالت مریلند (Maryland) رجوع شود به: (w.w.w.dpscs.state.Md.us/doc/sui/pie2.htm). (25. 10. 2000).

سطح جهان شناخته شده هستند عبارتند از: میکروسافت^۱، آی.بی.ام^۲، بوئینگ^۳، موتورولا^۴، نایک^۵ و لی‌جانز^۶.

تولید محصولات و خدمات به طرق مختلفی در زندان انجام می‌گیرد، کارهایی چون تولید بعضی محصولات با تکنولوژی بالا کارهایی از قبیل لباسشویی و بازاریابی تلفنی، جمع‌آوری داده‌ها، بسته‌بندی کامپیوتری و امور جدیدی که هر روز در حال افزایش است. این وضع نیز باعث تعطیلی بسیاری از شرکت‌ها شده و تولید را به داخل زندان‌ها که هزینه کمتری را دارد سوق داده و گروه بیکاران در بیرون را گسترش می‌دهد که احتمال روانه شدن قشر بیکار به زندان نیز بالاست. این تسلسل باطل در قرن نوزدهم نیز تکرار شده است. در قرن نوزدهم نوعی «زندان اجاره‌ای» وجود داشت که با عقد قرارداد بین مدیریت زندان و سرمایه‌دارها بر فروختن دسترنج زندانی به بخش خصوصی تأکید داشت. با تصفیه مدل دولت ملی در فرآیند جهانی شدن نیز، خصوصیات دیگر مدل «زندان اجاره‌ای» در قرن نوزدهم دوباره به وجود آمده است. اگر به حذف موانع و محدودیت‌های صدور تولیدات داخل زندان به خارج از کشور^۷ توجه کنیم انتظار می‌رود که در آینده نزدیک استثمار دسترنج زندانیان به تدریج شدت و گسترش یابد. امروزه در کشورهایی مثل آمریکا، انگلستان، استرالیا که پیشرو در اصلاح مجازات هستند دسترنج زندانی هم از طرف دولت و هم از طرف بخش خصوصی به شدت استثمار می‌شود. در بعضی زندان‌های آمریکا به زندانیان در مقابل کارشان هیچ‌گونه دستمزدی پرداخت نمی‌شود^۸ اگر دستمزدی هم پرداخت می‌شود بسیار ناچیز است. به طور مثال در سطح فدرال پذیرفته شده، نرخ دستمزد ساعتی محکومانی که در کارهایی از قبیل خدمات غذایی، رنگ‌آمیزی ساختمان، نگهداری و کنترل تأسیسات آب فعالیت دارند ۴۰-۱۲ سنت است.

- | | |
|--------------|-------------|
| 1. Microsoft | 2. I.B.M |
| 3. Boeing | 4. Motorola |
| 5. Nike | 6. Leejons |

۷. رجوع شود به:

"The world Trade organization and the pirson Industrial Complex" (www. Prisonactivist. org/materials/wto-Pic.html) (37/08/2000).

۸. در ایالت تگزاس گزارش ارائه شده است که کلیه زندانیان به کار مجبور می‌شوند اما هیچ‌گونه دستمزدی پرداخت نمی‌گردد. در تگزاس با توجه به وجود بیش از صدوپنجاه زندان در صد زندانی بیشتر مسئله استثمار مطرح است رجوع شود به:

"Texas prison labore union"/ 1998, (w.w.w. igc'org/trac/featore/prisons/tx prison union, html), (07, 08, 2000).

در حدود ۲۵٪ محکومان فدرال که به کارخانجات فرستاده می‌شوند در زمینه‌هایی از قبیل فلزکاری، تولید مبیل، الکترونیک، نساجی و صنعت گرافیک به کار واداشته می‌شوند و ساعتی بین ۲۳ سنت الی ۱/۵ دلار دریافت می‌کنند^۱. این دستمزدها بسیار پایین‌تر از حداقل دستمزد در آمریکا است. در آمریکا حداقل دستمزد در بین ایالات و بخش‌ها متفاوت بوده که برای مثال در ایالت واشنگتن حداقل دستمزد ۴/۹ دلار است و استعمار دسترنج محکوم واضح است. امروز در شرکت یونیکور^۲ که یک شرکت دولتی است ۲۰ هزار محکوم ۴۰ ساعت در هفته با دستمزد ساعتی ۲۳ سنت در تولید مبیل کار می‌کنند. در بخش خصوصی نیز از دسترنج محکومان استفاده می‌کنند، البته مشابه بخش دولتی و به ثمن بخش.

برای مثال شرکت‌هایی از قبیل: شورن^۳، تی. دلبیو. ای^۴ به محکومانی که به کارهای وارد کردن اطلاعات، ثبت سفارش از طریق تلفن، تولید لباس زیرگمارده می‌شوند، ساعتی ۲۳ سنت پرداخت می‌نمایند. (راجس، ۱۹۹۸) محکومانی که در زندان سسیداد^۵ کالیفرنیا در بخش نساجی مشغول به کارند در مقابل ۹ ساعت کار در روز تقریباً ماهانه ۶۰ دلار دریافت می‌نمایند. به محکومانی که در تولید کفش نایک^۶ به کار گمارده می‌شوند روزانه ۱/۲ دلار پرداخت می‌شود. (ارلیش، ۱۹۹۵: ۱) در استرالیا به محکومانی که به کار گمارده می‌شوند به‌طور متوسط هفته‌ای ۵۰-۶۰ دلار استرالیا پرداخت می‌شود در صورتی که دستمزد کار مشابه در بیرون ۳۶۰ دلار است. (PPRI, November 1996: 5)

به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود، امروزه دسترنج زندانی برای شرکت‌ها از دسترنج جهان سوم نیز ارزان‌تر است^۷.

سیاست‌های جدید مجازات در زندان‌ها رویکردی دوباره به برقراری موقعیتی شبیه

۱. در مورد برنامه‌های کار برای محکومان فدرال در آمریکا مراجعه شود به:

(w.w.bop.gov/ipapg/ipaover.html (25, 70, 2000).

2. unicolor

3. Chevron

4. TWA

5. Sosedad

6. Nike

۷. کارگر آمریکایی که ساعتی ۸ دلار درآمد کسب می‌کند به دلیل این‌که همان شرکت در تایلند به کارگران روزانه ۲ دلار پرداخت می‌نماید و به خاطر انتقال شرکت/کارخانه/کارگاه به آنجا کار خود را از دست می‌دهد و بیکار می‌ماند و با جامعه‌ای که به نیازهای او بی‌تفاوت است بیگانه می‌شود. برای ادامه حیات به راه‌های غیرقانونی وارد می‌شود و در نتیجه دستگیر شده به زندان روانه می‌گردد و در آنجا شروع به کار می‌نماید. دستمزد جدید او ساعتی ۲۲ سنت است این داستان سرنوشت بیشتر محکومان در زندان‌های آمریکا را منعکس می‌نماید. (گولدربرگ و ایوانز، ۲۰۰۰: ۵)

برده‌داری دارد. برنامه‌های کار اجباری در زندان‌ها با اهدافی از قبیل: یادگیری شغل و حرفه، مشارکت در اثربخشی مفید، فراهم آوردن هزینه‌های خود که از دید جامعه نیز مشروع تلقی می‌گردد به اجرا گذاشته می‌شود. اما مسئله مشروعیت خود سازمان زندان به یک طرف، مشروعیت نوع برنامه‌های به کارگماری زندانیان نیز مطرح است. قبل از هر چیز زندانیان به کار مجبور می‌شوند یعنی اقدام به کار از طریق خشونت فراهم می‌گردد. علاوه بر آن میزان (معادل) واقعی دسترنج زندانی نیز پرداخت نمی‌گردد و بیشتر دسترنج زندانی‌ها استثمار می‌شود.

کسورات درآمد زندانی‌ها از قبیل هزینه‌های اعاشه و بهداشت، انواع سرمایه‌گذاری حساب پس‌انداز اجباری، خدمات دادگاه، مالیات و غیره از نصف دستمزد زندانی بیشتر می‌شود. در آمریکا تا کسر ۸۰٪ از دستمزدهای زندانیان مجاز اعلام شده است.^۱ در انگلستان نیز که در روند اصلاح مجازات از آمریکا پیروی می‌کند قوانین جدید که در آن به انحاء مختلف برای مالیات و پس‌انداز امکان کسر از درآمد زندانیان گنجانده شده به اجرا گذاشته می‌شود.^۲ در کنار همه این‌ها، به لحاظ این‌که زندانی از حقوق و دسترنج آزاد برخوردار نیست سطح استثمار نیز عمیق‌تر می‌شود. به طوری که بیمه بهداشت، بیمه بیکاری، حق بازنشستگی، خسارات اخراج از کار، حق تعطیلی، حق استراحت، مرخصی استعلاجی، حق سندیکا، حق پیمان جمعی، حق اعتصاب در زندان وجود ندارد. بدان‌جهت نیز بخش خصوصی دسترنج زندانی را به دسترنج آزاد ترجیح می‌دهد. مدیریت‌های زندان در چانه‌زنی برای جذب بخش خصوصی به فعالیت‌های زندان به ارقام ارائه شده و امکانات بالا اشاره می‌کنند.^۳

علی‌الظاهر امروزه زندان‌ها به سرعت در راه برگشت به شرایط قبل از دوره دولت مردمی است. سرمایه در موج جهانی شدن برای افزایش میزان انباشت خود مجدداً به روش قدیمی استثمار دسترنج زندانی برگشته و همچون نگرهبانی مسلح دسترنج ارزان‌تر زندانی را به‌عنوان نیروی کار ارزان با بهترین شکل دوباره کشف نموده است.

۱. برای مثال در مورد اجرای کسر دستمزد زندانیان ایالت مریلند رجوع شود به:

(w.w.w.dpses, statemd.us/doc/sui/doc/pie htm) (25/10/2000).

۲. برای اطلاع از متن قانون درآمد زندانی (Prisoners' Eotnings Act. 1996 chopter 33) رجوع شود به: (w.w.w.himso.gov.uk/acts/acts 1996/1996. 33. htm (12, 09. 2000).

۳. آگهی که زندان اورگن (Oregon) در آمریکا ارائه نموده به‌طور خلاصه عبارت است از: زندان اورگن شرکت‌های دولتی و خصوصی را به همکاری می‌پذیرد. امکانات: اراضی، ساختمان، امنیت حداقل دستمزد محکوم و مأموران امنیتی «انرژی پایدار» خدمات: محکومان هر روز کارهای نظافت و نگهداری را انجام می‌دهند. خسارت اخراج از کار، بیمه در ایام بیماری، ترک کار و هزینه‌های دیگر وجود ندارد. رجوع شود به (پنس، ۱۹۹۸: ۱۲۰)

اما در سال‌های اخیر ورود سرمایه به زندان‌ها تنها از راه اجیر کردن زندانی نیست. از سال ۱۹۸۰ به بعد پای خصوصی‌سازی متأثر از حاکمیت سیاست‌های نئولیبرال در دنیا به عرصه مجازات نیز کشیده شده است. خصوصی‌سازی در بخش مجازات در سال‌های ۱۹۸۰ با خصوصی‌کردن خدمات مختلف زندان آغاز شد و در سال‌های ۱۹۹۰ با در اختیار گرفتن مدیریت زندان به نقطه اوج خود رسید. امروزه در بسیاری از کشورها خدماتی از قبیل تغذیه، بهداشت، حمل و نقل و امنیت، زندان در مرحله خصوصی‌سازی هستند. کشورهای پیشرو در اصلاح مجازات در سال‌های ۱۹۹۰ مدیریت زندان‌ها را نیز به بخش خصوصی واگذار کرده و گذر به نظام «زندان خصوصی» را آغاز نموده‌اند. از سال‌های ۱۹۸۰ به بعد تعدادی از شرکت‌های مجازات چند ملیتی به وجود آمده که سرآمد مدیریت زندان‌های خصوصی در سطح دنیا هستند. این شرکت‌ها با امضای قراردادهای ۲۵-۳۰ ساله با دولت‌ها زندان‌های جدید احداث نموده و زندان‌ها را با پرسنل امنیتی خود و با دستمزد کم اداره می‌نمایند.

خصوصی‌سازی زندان‌ها در آمریکا که از زمان ریاست جمهوری ریگان آغاز شده بود طی سال‌های ۱۹۹۰ توسعه یافته و در سطح دنیا نیز گسترش یافته است. اواخر سال ۱۹۹۰ در آمریکا تعداد زندان‌های خصوصی به ۱۵۸ رسیده بود^۱. علاوه بر آن در طول سال‌های ۱۹۹۰ در کشورهای انگلستان، استرالیا، زلاندنو، کانادا و آفریقای جنوبی نیز زندان‌های خصوصی تأسیس گردیده است. در ژانویه ۱۹۹۷ استرالیا با داشتن نسبت ۲۰٪ زندانی در زندان‌های خصوصی خود به‌عنوان پیشرو در زندان خصوصی شناخته شد. (PPRI, January, 1997: 1). با این‌که خصوصی‌سازی زندان‌ها هنوز حرکت تازه‌ای است اما به نظر می‌رسد امکان توسعه و گسترش زیادی دارد.

بسیاری از کشورهای دنیا در مرحله آغاز برنامه خصوصی‌سازی زندان‌ها هستند. تعدادی از دولت‌ها نیز برای فراهم ساختن بنیه مالی زندان‌های خصوصی بخش خصوصی را به همکاری دعوت می‌نمایند. خصوصی‌سازی زندان‌ها با خصوصی‌سازی انواع مؤسسات در بخش دولتی متفاوت است. با خصوصی‌سازی زندان‌ها محکومان نیز به حوزه حاکمیت و کنترل شرکت‌های خصوصی انتقال یافته و همین‌طور آن‌ها نیز خصوصی‌سازی می‌گردند. از آن‌جا که این شرایط نتایجی شبیه مالکیت خصوصی بر محکومان را تداعی می‌نماید در حقیقت نزدیک شدن به بردگی آشکار است. روند توسعه تاریخی زندان‌ها نیز از لحاظ نشان دادن ارتباط نزدیک بین

۱. رجوع شود به:

Source book of criminal Jastic statist/es 1999 p. 82 (w.w.w albany edu/source book/1995 pdf/t/ 183. pdf), (12. 10. 2000).

محکومان و بردگی آموزنده است. برای مثال در آمریکا تا قبل از الغای بردگی ضرورت وجود یک نظام زندان واقعاً احساس نمی‌شد. در این کشور نخستین زندان‌ها در آغاز قرن ۱۹ گشوده شده است. (برونه، ۱۹۹۵: ۲).

بعد از برچیده شدن بردگی نیز دسترنج محکوم جایگزین دسترنج برده شده و زندان‌ها ارزان‌تر و مؤثرتر از بردگی یک سیستم استثمار دسترنج ایجاد نموده‌اند. در قرن ۱۹ در زندان‌های آمریکا محکومان اکثراً برده‌هایی بودند که بعد از این‌که آزاد شدند مجدداً با اتهام جرایم ساده‌ای چون دزدی محکوم می‌گردیدند و مزارع زندان نیز بی‌شبهت به مزارع عصر برده‌داری نبود. در این دوره نظام «زندان اجاره‌ای» متکی بر اجاره داده شدن محکومان به سرمایه‌دارها از طرف دولت و اداره زندان با سرمایه خصوصی بوده است. زندان‌های خصوصی امروز را نیز باید در پرتو این روند تاریخی نگریست و از طرف دیگر استمرار موقعیت بردگی محکومان در آمریکا امروز نیز به‌طور رسمی ادامه دارد.

حکم دادگاه عالی ویرجینیا در سال ۱۸۷۱ مبنی بر این‌که محکومان برده‌های دولت هستند. (رایت، ۱۹۹۵: ۷). در این کشور یک دلیل مستند دیگر برای روشن ساختن موقعیت واقعی محکومان است. مشاهده می‌شود که مجوز و چراغ سبز قانون اساسی آمریکا برای بردگی در دوره جهانی شدن نیز معتبر است. کشورهایی از قبیل انگلستان، استرالیا، زلاندنو، کانادا و آفریقای جنوبی در اصلاح مجازات از آمریکا تقلید می‌کنند و با توجه به این‌که پیشرو زندان‌های خصوصی نیز هستند می‌توان گفت که بسیاری از کشورها در اصلاح مجازات به‌دنبال مدل زندان قرن نوزدهم می‌باشند.

آزادی مدیران زندان در استثمار دسترنج زندانی و برگشت مجدد نظام زندان خصوصی در حال حاضر سرمایه‌گذاری در زندان‌ها را به سودمندترین عرصه پس‌انداز تبدیل کرده است. از یک طرف شرکت‌های چندملیتی مجازات از جمله بزرگ‌ترین شرکت‌های دنیا هستند. از طرف دیگر با افزایش قارچ‌گونه ساخت زندان‌ها، خدماتی از قبیل معماری، تغذیه، بهداشت، امنیت، حمل و نقل بسیاری از شرکت‌ها را به سودجویی از نیروی کار زندان سوق داده است. در پانزده سال اخیر شتاب رشد شرکت‌های چندملیتی مجازات که زندان‌های خصوصی را اداره می‌کنند در مطرح کردن جذابیت سرمایه برای بخش زندان مؤثر بوده، برای مثال درآمدهای «شرکت اصلاح و تربیت آمریکا»^۱ که در سال ۱۹۸۳ تأسیس گردید و به‌عنوان رهبر صنعت زندان شناخته شده در سال ۱۹۹۲، نود و پنج میلیون دلار بوده و در سال ۱۹۹۵ به ۲۵۷ میلیون دلار

1. Corrections Corporation of America (C.C.A)

(PPRI, June 1996: 7) و در سال ۱۹۹۶ به ۴۲۶ میلیون دلار و در آخر سپتامبر ۱۹۹۸ به ۴۸۴/۵ میلیون دلار رسیده است. این شرکت بعد از سال ۱۹۹۸ در آمریکا، استرالیا، انگلستان جمعاً ۷۸ زندان را مدیریت می‌نماید. امروز پیشرو صنعت زندان شرکت‌های آمریکایی هستند و بعد از آن شرکت‌های انگلیسی قرار دارند. از طرف دیگر صنعت زندان تکنولوژی در زمینه‌هایی از قبیل: ساختمان، معماری، بهداشت، تغذیه، حمل و نقل، تلفن، امنیت را توسعه می‌دهد. در بسیاری از شهرهای آمریکا که اقتصادشان بحران داشته زندان‌ها موقعیت کارفرمایی بزرگ را پیدا کرده‌اند. زندانیان در عین حال به‌عنوان مصرف‌کننده نیز در استعمار هستند. شرکت‌هایی که انحصار خدمات تلفن در زندان‌ها را در اختیار دارند تقریباً شش برابرگران تر از بیرون خدمات تلفن ارائه می‌نمایند. بالا بودن قیمت خوراک نیز فاحش است. تولیدکنندگان اسلحه اینک تکنولوژی‌های حفاظت زندان‌ها از قبیل دستبند الکترونیکی، سلاح‌های شوک‌دهنده و دوربین‌های امنیتی تولید می‌کنند. در آمریکا بیش از ۵۰۰ شرکت به این بازار وارد شده‌اند. بانک‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های امنیتی و خدماتی در بخش صنعت زندان سرمایه‌گذاری می‌نمایند.

رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۶۱ به منظور جلوگیری از احتمال تهدید نظامی اتحاد شوروی سابق با تأکید بر ضرورت توسعه صنایع نظامی و جهت افزایش سرمایه‌های مربوط به صنایع نظامی با بهره‌برداری از مفهوم «مجتمع صنعت- زندان» که از مفهوم مجتمع صنعت نظامی قرض گرفته شده است در آمریکا اتحاد صنعت بین سرمایه‌گذار بخش خصوصی و دولت را مجدداً مطرح کرد. بعد مشترک هر دو از یک طرف اتحاد در منفعت و از طرف دیگر اتحاد و همدستی در اعمال سلطه بر جامعه است. در گذشته دولت زیر پوشش مبارزه با کمونیسم صنایع نظامی را توسعه می‌داد. امروزه با تکیه بر شعار مبارزه با جرم صنعت زندان را نیرومند می‌سازد. هر دو نوع اقتصاد نیز در راستای افزایش نسبت‌های انباشت سرمایه و زیر فشار قرار دادن جامعه هدایت می‌شود. در آمریکا مواد اولیه صنعت زندان - که شخصاً با دست دولت تهیه می‌شود - محکومان می‌باشند. توسعه این صنعت به افزایش تعداد محکومان متکی است. سهمی که از صنعت زندان به محکومان می‌رسد، کار اجباری است که در صورت مخالفت با کار، حبس در سلول انفرادی و اذیت و آزار شدید و مرگ است. با خبرهای احداث زندان‌های خصوصی جدید، همراهی کردن خبر مرگ در این زندان‌ها جلب توجه می‌کند. با این‌که هنوز تاریخ زندان‌های خصوصی دوره جدید خیلی کوتاه است اما شدت سطح خشونت در این زندان‌ها از هم‌اکنون قابل پیش‌بینی است.^۱

۱. برای مثال در سال ۱۹۹۵ در زندان خصوصی Blakenhurst انگلستان پنج نفر مرده‌اند.

دانستنی است که بازگشت مجدد به نظام محکوم اجاره‌ای و زندان خصوصی همانند قرن نوزدهم میزان خشونت در زندان را افزایش داده است اگر به‌خاطر آوریم که در زندان‌های اجاره‌ای قرن نوزدهم محکومان با ضربات شلاق چگونه کار می‌کردند، و در حقیقت نزدیک به نصف محکومان در این زندان‌ها جان خود را از دست می‌دادند، آینده‌ای که اقدامات جدید مربوط به اصلاح مجازات به محکومان نوید می‌دهد بسیار تاریک است.

نتیجه‌گیری

می‌بینیم که در آستانه هزاره سوم «اصلاح مجازات» که در سطح جهان گسترش یافته اقتدار مجازات دولت را با ظلم بیشتر تغییر می‌دهد. دولتی که از ویژگی مردمی فاصله می‌گیرد هر روز که می‌گذرد بیشتر به «دولت مجازات‌کننده» نزدیک می‌شود. اصلاح مجازات نیز قبل از هر چیز زندان‌ها را زیاد نموده است.

اما اصلاح در خارج از زندان‌ها نیز مصادیقی دارد. امروزه کشورهای پیشتاز اصلاح مجازات‌ها، به‌دنبال تنوع بوده و به جای زندانی کردن مجازات جایگزین نیز گسترش می‌یابد. کار کردن به نفع عموم یکی از انواع این مجازات است یعنی محکوم به نفع جامعه بدون دریافت دستمزد کار می‌کند. محکومانی که از طریق دادگاه به این نوع مجازات محکوم شده‌اند، مجازات خود را با کار در عرصه‌های مختلف خدمات اجتماعی از قبیل مدرسه، بیمارستان و... در روز به مدت معین بدون دریافت دستمزد سپری خواهند کرد.

اما این مجازات شامل هر نوع جرم نبوده فقط می‌تواند برای جرم‌های سبک اعمال شود. در اجرا نیز مشاهده می‌شود که تنها کسانی که به مجازات ۴-۵ سال زندان محکوم شده‌اند مجازات خود را با کار کردن در سازمان‌های عام‌المنفعه سپری کرده‌اند. به‌همین جهت مجازات به کارگماری به نفع جامعه نه تنها برای زندانی یک الویت واقعی ایجاد ننموده بلکه بر مجازات زندان اضافه شده و با متنوع نمودن مجازات به‌دنبال بهره‌برداری بیشتر است. امروزه این نوع مجازات در بعضی کشورهای مرکزی اجرا می‌شود و برای گسترش آن در کشورهای جنوبی تلاش گسترده‌ای در جریان است. این تلاش‌ها که به‌ویژه در سال‌های ۱۹۹۰ افزایش یافته است

→ (6: PPRI, october 1996) در زندان خصوصی پورت فیلیپ (Portphilip) واقع در ایالت ویکتوریا استرالیا که در سپتامبر ۱۹۹۷ باز شده است تا آوریل ۱۹۹۹، یازده محکوم مرده‌اند که از بین این‌ها ۵ نفر در سلول خود را حلق‌آویز کرده و سه نفرشان از استعمال مواد مخدر با دوز بالا مرده‌اند. تنها ۳ نفر با وسایل طبیعی مرده‌اند. (PRRI April 1999: 19) این مرگ‌های مشکوک که عنصر تفکیک‌ناپذیر زندان‌های خصوصی شده‌اند در نزد افکار عمومی بحث‌هایی برانگیخته است.

در کشورهای آفریقا، آمریکای جنوبی و آسیای جنوبی و میانی، اروپای مرکزی و شرقی و خاورمیانه متمرکز شده است. در فرایند گسترش دامنه/تنوع/شدت مجازات، به کارگماری اجباری در مؤسسه‌های عام‌المنفعه در کشورهای جنوبی، و یا در سازمان‌های بین‌المللی متکی به کشورهای ثروتمند و یا مؤسسه‌های سرمایه‌داری نقش عمده‌ای ایفا می‌نماید. در اثر کمک‌های فنی این مؤسسه‌ها امروزه بعضی کشورها این نوع مجازات را به نظام مجازات خود وارد نموده‌اند.^۱

به کارگیری درآمد عمومی در فرایند اجرای اصلاحات کیفری نیز با تصفیة دولت مردمی یک ساختار کامل را تشکیل می‌دهد. خدمات اجتماعی که در دوره دولت مردمی توسط کارکنان دولتی انجام می‌شد با این نوع مجازات دیگر از طریق محکومان به‌طور مجانی انجام می‌پذیرد، سعی می‌شود که خلأ کارکردی ناشی از تصفیة بخش دولتی، کاهش هزینه‌های عمومی و سقوط دولت مردمی از طریق دسترنج مجانی محکومان پر شود.

مجازات به کارگماری به نفع جامعه برای پرداخت بدهی مجرم به جامعه در نتیجه جرمی که مرتکب شده در حقیقت انطباق نظام مجازات الزامات جهانی شدن است. دولت نیز در فرایند جهانی شدن تجدید ساختار می‌کند. با سرایت جرم و مجازات به جامعه اقتدار مجازات قوی‌تر می‌شود. روند اصلاح مجازات در واقع با خشونت دولت و اعمال شدید مجازات را پایه اصلی اقتدار دولت قرار دادن، نیازهای امروزی سرمایه‌داری را ارضا می‌کند. با فشار بیشتر بر جامعه از طریق نظام جدید جرم و مجازات، هدف‌هایی نظیر تضمین حاکمیت سرمایه و فراهم ساختن سود از مجازات تعقیب می‌شود. بهایی که اجتماع بابت این تحول در سیستم مجازات می‌پردازد در موقعیت محکوم قرار گرفتن، سیل روزافزون بیکاران، ازدیاد فقر و نزدیک شدن به محکومیت از نوع بردگی است.

از سال ۱۹۹۰ به این طرف که فرایند اصلاح مجازات در دستور کار حکومت‌ها بوده و

۱. سازمان بین‌المللی اصلاح جزایی (PRI) (Penal Reform International) که در سال ۱۹۸۹ تأسیس گردید، به‌عنوان یک سازمان بین‌المللی غیر دولتی در وارد شدن کشورهای جنوبی در فرایند اصلاح مجازات یکی از سازمان‌های مؤثر است. این سازمان امروز در ۴۰ کشور جهان فعالیت دارد در اثر استمرار فعالیت و تلاش‌های PRI در سال‌های ۱۹۹۰ بسیاری از کشورها مجازات به کارگماری در مؤسسه‌های عام‌المنفعه را قبول کرده‌اند. علاوه بر آن این سازمان در آمریکا در موضوعاتی از قبیل سازماندهی مجدد در مزارع زندان جهت تولید مؤثر و اصلاح در نظام دادرسی پروژه‌هایی را به اجرا درآورده و هم با حکومت‌ها و هم با سازمان‌های ملی غیر دولتی همکاری دارند. (PRI) ضمن پیشنهاد لایحه قانونی کیفری جدید به حکومت‌ها، سازمان‌های محلی غیردولتی را جهت اصلاح در نظام مجازات در کار واسطه‌گری سیاسی (Lobby) هدایت می‌نماید ([http: Penal ferom. org](http://Penal ferom. org)).

آن‌ها را مشغول نموده است اهدافی از قبیل «دموکراتیک‌تر» کردن سیستم مجازات، انسانی کردن مجازات، حتی اصلاحات کیفری در کار نیست بلکه به‌عکس افزایش کارآیی، کاهش هزینه‌های سیاسی و اقتصادی، فراهم ساختن سود از مجازات در دستور کار قرار گرفته است. قواعد جدید اقتدار مجازات از یک طرف با فرستادن قشر وسیعی از مردم به زندان که از اجتماع محروم شده‌اند، از طرف دیگر با متداول کردن پنخس مجازات در جامعه به ایجاد حداکثر سوددهی تبدیل شده است. آنچه دیده می‌شود این است که توأم با تصفیۀ دولت مردمی در سطح دنیا یک باب جدید در مجازات باز شده و این مرحله که هنوز در آغاز آن هستیم در جرم و مجازات، اقتدار مجازات زندانی کردن و بیش از هر زمان تفتیش و بازجویی را الزامی می‌داند. عنوان جرایم در کشورهای مختلف با توجه به موقعیت جغرافیایی، آموزشی و منابع معیشت و سیاست کیفری متفاوت می‌باشد ولی وجوه اشتراک بین آن‌ها فقیران جامعه و درواقع قشر محروم هستند که بیشترین محکومان را تشکیل می‌دهند و به‌علت نداشتن درآمد برای گذران زندگی مناسب مرتکب جرایم متعدد و تکرار جرم می‌شوند. در هر حال مجازات سنگین علی‌رغم جنبه ترهیب برای سایر افراد جامعه بدون از بین بردن علل ارتکاب جرم فقط به‌عنوان داروی مسکن بوده و نمی‌تواند به‌طور نهایی چاره‌ساز باشد. لذا برای جلوگیری از تکرار جرم و تراکم زندانیان در قوانین کشورهای مختلف دنیا مانند انگلیس، ایالات متحد آمریکا، اتحادیه اروپا و آمریکای لاتین با اتخاذ سیاست کیفری جدید مانند آزادی مشروط زندانی یا آموزش آنان در طول تحمل کیفر تدابیری اندیشیده‌اند ولی در تعیین مجازات تبعیض قومی و نژادی در آرای دادگاه‌ها مشاهده می‌شود و سیاهپوستان بیشترین گروه زندانیان را در آمریکا تشکیل داده و گاهی زندانیان به کار اجباری در زندان به کار گمارده می‌شوند. این امر برخلاف ماده ۸۴ پیمان حقوق بشر اروپا می‌باشد زیرا از دسترنج زندانیان تجارت نامشروع نموده و حاصل دسترنج آنان از طرف دولت و بخش خصوصی استثمار می‌شود و به زندانیان دستمزد ناچیزی پرداخت می‌گردد. عدل و انصاف حکم می‌کند که زندانیان با خشونت و اجبار به کار وادار نشده و مزد واقعی آنان برپایه مقررات سازمان بین‌المللی کار (ILO) پرداخت گردد.

با توجه به این‌که هدف قوانین جزایی به‌خصوص در امر کار اجباری در زندان تضمین اجرای حکم مجازات برای تحمیل رنج به مجرمان نمی‌باشد بلکه برای تربیت مجدد و عادت دادن محکوم به کار شرافتمدانه، رعایت قوانین و احترام به مقررات عمومی و نیز پیشگیری از تکرار جرم محکوم و افراد دیگر و در یک کلام پایان دادن به بزهکاری است، اصولاً اجرای مجازات نباید موجب شکنجه جسمی و روحی زندانی شده و به حیثیت فرد لطمه وارد سازد. براساس قواعد حقوق تطبیقی و اصول کلی حقوق بین‌المللی و رعایت موازین بین‌المللی و جهانی شدن حقوق بشر پیشنهاد می‌گردد:

۱. مجازات‌های سالب آزادی عبارت باشند از:
حبس، نگهداری در مؤسسات کشاورزی یا کار، نگهداری در مراکز درمانی، نگهداری در تیمارستان، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت.
۲. ایجاد مؤسسات تأمین «آزادی با مراقبت» که برای محکومان که ماه آخر محکومیت خود را می‌گذرانند به این مؤسسه منتقل شود که روزها در بخش خصوصی به کار اشتغال داشته باشند و شب‌ها به مؤسسه بازگردند.
۳. مرکز «مردم‌شناسی جنایی» در هر زندان تأسیس شود تا بدین‌وسیله نتایج شناسایی شخصیت و اجرای روش‌های مختلف را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند.
۴. اشتغال به کار زندانیان
الف. کشاورزی-صنعتی
ب. کارهای عمومی زندان (نظافت و...)
که در دو مورد فوق پاداش کار زندانی به دو قسمت تقسیم که یک قسمت آن از بابت مخارج روزمره (تغذیه، مسکن و مالیات) کسر شود و بقیه به محکوم پرداخت شود.
۵. آموزش زندانیان در هر درجه (ابتدایی، دبیرستان، عالی) فراهم شود.
۶. ملاقات زندانیان و رژیم نیمه آزادی در زندان اعمال شود.

منابع

- اردبیلی، دکتر محمدعلی (۱۳۶۵) کار در زندان و نقش آن در بازپروری زندانیان، فصل‌نامه حق، دفتر پنجم، فروردین-خرداد.
- بیلر، و.م. (۱۹۳۱) تاریخ کلیسای قدیم در امپراتوری روم و ایران، ترجمه علی محسنی به مساعدت عباس آریان‌پور.
- دانش، دکتر تاج‌زمان (۱۳۷۸) کیفرشناسی و حقوق زندانیان چاپ تهران، ۱۳۵.
- دل‌ماس مارتی، ... (۱۳۷۸) جهانی شدن حقوق: فرصت‌ها و خطرات، ترجمه دکتر اردشیر امیرارجمند، مجله حقوقی، نشریه خدمات حقوق بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۴.
- ماهنامه حقوق امروز، شماره هشتم، سال اول ۱۳۴۲.
- Browne, Julic, (1995), The Labor, of Doing Time, (www.prisonactivist.org/crisis/labor_of_doing-time.html), (31.08.2000).
- Davis, Angela (1998), Masked Racism: Reflections on the Prison Industrial Complex, (www.corpwatch.org/trac/feature/prisons/adavis.html), (12.05.2000).
- Erllich, Reese (1995), Prison Labor: Workin' for the Man, (www.propl.org/legal/prisons/labor.htm), (07.08.2000).
- FAMM (Families Against Mandatory Minimums) (2000a), All About Mandatory Minimum Sentences (MMS), (www.famm.org/about.Htm), 25.10.2000.

- (2000b), Dissenting opinions, (www.famm.org/about5.htm), (25.10.2000)
- (2000c), Federal Laws, (www.famm.org/about.htm), (25.10.2000)
- (2000d), History of Mandatory Sentences, (www.famm.org/about3.htm), (25.10.2000).
- Foucault, Michel (1992), *Hapishanenin Dog'usu*, (Cev. Mehmet Ali kilic bay), imge kitavevi, Ankara.
- Giffard Chris (andated), South African Corrections, Privatisation Fact File, www.penlex.org.uk/pages/sa01.html, (18.08.2000)
- Goldberg, Eve and Evans, Linda (andated), The Prison Industrial Complex and the Global Economy, (www.prisonactivist.org/crisis/cvans-goldberg.html), (31.08.2000).
- ILO, (2005), Global ekonomik security in crisis (2005), (www.ilo.org/public/english/burean/inf/magazine/52/ecosecu.htm).
- HLPR (the Howard League for Penal Reform) (1997), Prison Population in Europe, Fact Sheet (www.penlex.org.uk/pages/hlfact31.html), (18.08.2000).
- Marx, Karl (1978), *Kapital*, Birinci Cilt, (Cev. Alaattin Bilgi), Sol Yaymlari. 2. Bs... Ankara.
- Olson Joel (1994), Gardens of the Law: The Role of Prisons in Capitalist Society, (www.prisonactivist.org/crisis/gardens-of-law.html), (31.08.2000).
- Pens, Dan(1998), Oregon Prison Slaveocracy. (www.corpwatch.org/trac/feature/prisons/orslaveoeracy.html), (12.05.2000).
- (1996), Out-Celling the Competition, Htm), (07.08.2000).
- PPRI (Prison Privatisation Report International) (June 1996), Issue No.1, (www.penlex.org.uk/pages/prtprep1.html), (17.08.2000).
- (October 1996), Issue No. 4, (www.penlex.org.uk/pages/prtprep4.html), (17.08.2000).
- (November 1996), Issue No. 5, (www.penlex.org.uk/pages/prtprep5.html), (17.08.2000).
- (January 1997), Issue No. 6, (www.penlex.org.uk/pages/prtprep6.html), (17.08.2000).
- (March 1997), Issue No. 8, (17.08.2000).
- (July 1997), Issue No 12, (www.penlex.org.uk/pages/prtpre12.html), (17.08.2000).
- (March 1998), Issue No. 18, (www.penlex.org.uk/pages/prtpre18.html), (17.08.2000).
- (November/December 1998), Issue No. 25, (www.penlex.org.uk/pages/prtpre25.html), (17.08.2000).
- (April/May 1999), Issue No. 29, (www.penlex.org.uk/pages/prtpre29.html), (17.08.2000).

- (july 2000), Issue No. 36, (www.penlex.org.uk/pages/prtpre_36.html), (17.08.2000).
PRT (Prison Reform Trust) (1996a), Automatic Sentences: The Californian Experience. (www.penlex.org.uk/pages/prtcalif.html), (24.08.2000).
- (1996b), Comments on the white Paper' Protecting The Public': The Government's Strategy on Crime in England and Wales. Cm3190, March 1996, (www.penlex.org.uk/pages/prtprotp), (11.11.2000).
- (1996e), Foreign Nationals in the Prison System. (www.penlex.org.uk/pages/prtforma.html), (24.08.2000).
- (1996d), Truth in Sentencing, (www.penlex.org.uk/pages/prttruth.html), (24.08.2000).
- (1997a), Balancing Sentencing Policy With Resources: Structured Sentencing in North Carolina, (www.penlex.org.uk/pages/prtcarol.html). (24.08.2000).
- (1997b), Delaware: A Small wonder, (www.penlex.org.uk/pages/prtdel.html). (24.08.2000).
- (1997c), Sentencing Policy in California: A Visceral Thing, (www.penlex.org.uk/pages/prtvisc.html), (24.08.2000).
- (1997d), The Effect of American Sentencing Policy Changes on the Courts. Prisons and Crime, (www.penlex.org.uk/pages/prtamcff.html), (17.08.2000).
- (1997e), The Federal System: Sentencing By Numbers. (www.penlex.org.uk/pages/prtfed.html), (24.08.2000).
- (1997f), The Prison Population in Britain, Europe and the Rest of the world. (www.penlex.org.uk/pages/prteurop.html), (18.08.2000).
- Rojas, Patricia Macias (1998), Complex p-rojas.html), (12.05.2000).
- Schlosser, Eric (1998), "The Prison-Industrial Complex", The Atlantic Monthly, December 1998, (www.theatlantic.com/issues/98dec/prisons.html), (07.08.2000).
- Schmelck (R). Picca (G), (1967) penologie et droit penitentiaire, Paris, Cujas.
- Shaw, Stephen (1998), a Fiscal and Economic Analysis of the Crime (Sentences) Act, (www.penlex.org.uk/pages/prtfisc.html), (24.08.2000).
- Singh, Wendy (1999), A Regional Report Latin America, (<http://Penalreform.org/english/regpapcarib.html>), (15.08.2000).
- (1997), Alternatives to Custody in the Caribbean, (www.penlex.org.uk/pages/prtcarib.html), (15.08.2000).
- Wright, Paul (1995), Slaves of the State, (15.08.2000).

رضا رسولی عضو هیئت علمی گروه حقوق دانشگاه پیام نور است.